NobonyadOnline NobonyadOnline
NobonyadOnline.ir

چهارشنبه ۲۰ آبان ۱۴۰۵
سال اول ■ شماره ۱۸۳
۸ صفحه ■ ۱۰۰۰۰ تومان

# نوبنیاد

روزنامه سراسری صبح ایران



## تا زمان تحقق شروط ایران، تنگه هرمز باز نخواهد شد

سرلشکر محسن رضایی، دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران، در گفت‌وگو با شبکه المیادین با اشاره به شروط ایران برای بازگشایی تنگه هرمز اظهار کرد: «ما شروط هفت‌گانه خود را که همان حقوق ملت ایران است، اعلام کرده‌ایم و تا زمانی که این شروط محقق نشود، تنگه هرمز باز نخواهد شد.»

۳




گزارش نوبنیاد از اثرات مهم و ادامه‌دار اقدام قاطع نیروهای مسلح در حمله به ۳ نفتکش متخلف

# روزی که ورق برگشت

**اقدام تاریخی نیروهای مسلح کشورمان در تیرماه گذشته برای تنبیه ۳ نفتکش متخلف همچنان برای کشور افتخار آفریده و امتیاز می‌آورد. در روزهایی که سایه سوتفاهم‌نامه اسلام‌آباد بر سر کشور سنگینی می‌کرد و حتی مطالبه خونخواهی رهبر شهید و یا پاسخ به نقض عهدهای طرف آمریکایی، پاسخ روشنی نمی‌یافت، نیروهای نظامی سلحشور ایران، ۳ نفتکش متخلف را در تنگه هرمز به آتش کشیدند. این اقدام راهبردی، نقطه آغاز بازگشت کشور از بیراهه مذاکره با امریکا و عمل به پیام علی الاصول رهبر انقلاب بود.**

۳

## چرخش مواضع ونس در قبال ایران ناشی از چیست؟

فرزاد مخلص‌الائمه
استاندار مرکزی در دولت شهید رئیسی

بر اساس قانون اساسی ایالات متحده آمریکا، معاون رئیس جمهور به طور خودکار ریاست سنای این کشور را بر عهده دارد و مهم‌ترین اختیار او، رأی تعیین کننده در صورت تساوی آرای سناتورهاست. بنابراین، جی دی ونس هم اکنون رئیس سناست؛ اما برخلاف تصور، دیگر سناتور نیست. او در ۱۰ ژانویه ۲۰۲۵، پس از انتخاب به معاونت ریاست جمهوری، از کرسی سناتوری ایالت اوهایو استعفا داد و جان هستد جایگزین او شد. در واقع، ریاست ونس بر سنا ناشی از سمت معاونت ریاست جمهوری است، نه عضویت در این مجلس.

متن کامل در صفحه ۳



وزیر جنگ دولت آمریکا را در آستانه برکناری قرار داد

## جنایت علیه کودکان میناب گریبان هگزت را گرفت

۶



سردار موسوی در مراسم رونمایی از شهر جدید موشکی

## نوبت شگفتانه‌های فرامنطقه‌ای

۲

فرهنگی | صفحه ۸

## جریان نفوذ فرانسوی در سینمای ایران

انتشار فراخوان تازه رزیدنسی سینمای داستانی برای نویسندگان و کارگردانان ایرانی از سوی مرکز ملی سینمای فرانسه، در کنار دیدار اخیر همایون اسعدیان، مدیرعامل خانه سینما، با پی‌یر کوشار، سفیر فرانسه، بار دیگر این پرسش را پیش کشیده است که هدف نهایی این همکاری‌ها چیست؟

سیاست خارجی | صفحه ۷

## معامله محرمانه ای در کار است؟

درست در شرایطی که رهبر انقلاب با صراحت هرگونه امتیازدهی به آمریکا را مردود دانسته و نسبت به پیامدهای گرایش تسلیم‌آمیز هشدار داده‌اند، نشانه‌های متعددی از تحرکات پنهانی جریان غربگرای حاکم بر دولت برای بازگشت به میز مذاکره با واشنگتن آشکار شده است.

خبر کوتاه

## خضریان: دشمن منتظر غافلگیری‌های بی‌سابقه باشد

علی خضریان، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس گفت: ایران در موضوع نظامی غافلگیری‌های بی‌سابقه‌ای را برای دشمن تدارک دیده که آنها را زمین‌گیرتر از گذشته خواهد کرد. وضعیت امروز جمهوری اسلامی ایران هم در بخش تسلیحات موشکی و هم در بخش توانمندی پدآفندی قابل قیاس با آغاز جنگ تحمیلی سوم نیست. در بحث بازدارندگی، موضوعات اقتصادی نیز دارای اهمیت ویژه است و البته این به معنای نگاه ساده‌انگارانه به موضوع بازدارندگی نیست؛ اما در وضعیت حاضر باید برای معیشت مردم و امکانات اولیه تدارک جدی دیده شود و دولت به سرعت در حال افزایش ذخایر راهبردی در موضوع امنیت غذایی است.

## انفجار دو نفتکش متخلف در تنگه هرمز

روابط عمومی نیروی دریایی سپاه اعلام کرد: دو فروند نفتکش متخلف در مسیر غیر مجاز تنگه هرمز با انفجار مهیبی متوقف در حال سوختن رها شده‌اند.

یکی از این شناورها از نوع سوپر نفتکش به مین دریایی برخورد و دچار انفجار و نفتکش دوم که تحت حمایت جنگنده های ارتش متجاوز آمریکا بود و قصد عبور مخفیانه از مسیر غیرقانونی را داشت دچار حادثه شده و با آتش سوزی مهیب در جای خود متوقف گردید.

شایان ذکر است این نفتکش ها که با خاموش کردن تمامی سامانه های ناوبری و شناسایی خود به دیوار آتشین تنگه هرمز برخورد و در سواحل جنوبی تنگه رها و در آتش در حال سوختن هستند.

نیروی دریایی سپاه یادآور می شود همانگونه که قبلا هم اخطار داده شده بود مسیر غیر مجاز ناایمن بوده و همه کشتی های همکار ارتش تروریست و متجاوز آمریکا که قصد عبور از این مسیر را دارند به این سرنوشت مبتلا خواهند شد.

## کوثری: آمریکا توان عملیاتی خود را از دست داده است

عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس گفت: بعضی ها هنوز خیال می کنند آمریکا غولی است که نمی شود به طرفش رفت؛ نه، اصلاً این طور نیست، شاخ این غول شکسته شده است. اگر توانی داشتند تا الان چندین بار حمله های سنگین می کردند، اما توان عملیات سنگین تر از جنگ رمضان را ندارند. کوثری در پاسخ به پرسشی درباره اظهارات اسکات بسنت، وزیر خزانه داری آمریکا، درباره طرح موسوم به «دروازه آهنین» و محاصره زمینی و دریایی و فشار اقتصادی علیه ایران گفت: آن‌ها در میدان نبرد نتوانستند کاری از پیش ببرند، ابتدا محاصره دریایی و سپس محاصره اقتصادی را در دستور کار قرار دادند تا حتی مسیرهای خشکی ما با ۱۵ کشور همسایه را نیز مسدود کنند؛ در حالی که ما راه و چاه را خوب می شناسیم.

## نخستین مرکز جان‌فدا ویژه بانوان در تهران افتتاح شد

روز گذشته، مراسم افتتاح نخستین مرکز جان‌فدا ویژه بانوان، با حضور جمعی از بانوان در ضلع غربی میدان آزادی تهران برگزار شد. این مرکز به عنوان نخستین مرکز اختصاصی بانوان در مجموعه جان‌فدا راه‌اندازی شده و قرار است بستری برای حضور، مشارکت و فعالیت بانوان در برنامه‌های این مجموعه فراهم کند. گفتنی است که افتتاح این مرکز گامی در راستای توسعه فعالیت‌های مجموعه جان‌فدا و فراهم کردن زمینه مشارکت سازمان‌یافته بانوان در این مجموعه به شمار می‌رود.

سردار موسوی در مراسم رونمایی از شهر جدید موشکی: ضرورت پیدا کند، تمام ظرفیت‌های دشمنان را در منطقه و فرامنطقه زیر آتش خواهیم گرفت

# نوبت شگفتانه‌های فرامنطقه‌ای

**همزمان با افزایش تهدیدات مقامات آمریکایی و صهیونیستی علیه کشورمان، مقامات ارشد نظامی روز گذشته از یک شهر موشکی جدید بازدید کردند. این رونمایی در برهه فعلی بیش از هر چیز، گواهی دیگر بر دروغ بودن ادعاهای اخیر ترامپ و هگست، رئیس جمهور و وزیر جنگ آمریکا است که بارها مدعی نابودی توان دفاعی کشورمان در جریان جنگ رمضان شده بودند. علاوه بر اینها، رونمایی از شهر موشکی جدید را می‌توان لبیک عملی نیروهای مسلح به مطالبه اخیر رهبر معظم انقلاب نیز تفسیر کرد. اینکه معظم‌له در دیدار فرماندهان نظامی تاکید داشتند که "هر سطح و نوعی از تهدید باید با پاسخ فوری و اثرگذار و بدون محدودیت جغرافیایی روبه‌رو شود."**



امین مهاجر
روزنامه‌نگار

روز گذشته و در مراسمی با حضور سرلشکر عبداللهی، رئیس ستادکل نیروهای مسلح، و سردار سیدمجید موسوی، فرمانده نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، یکی از شهرهای موشکی جدید و زیرزمینی این نیرو مورد بازدید قرار گرفت. در جریان این بازدید، مقام‌های ارشد نظامی از بخش‌هایی از این مجموعه و توانمندی‌ها و آمادگی عملیاتی یگان‌های موشکی نیروی هوافضای سپاه دیدن کردند.

تصاویر منتشرشده از این مراسم، حضور رئیس ستادکل نیروهای مسلح و فرمانده نیروی هوافضای سپاه را در یکی از تونل‌های این شهر موشکی نشان می‌دهد.

شهرهای موشکی نیروی هوافضای سپاه از جمله زیرساخت‌های دفاعی کشور به شمار می‌روند و در افزایش توان بازدارندگی و پاسخ‌گویی به تهدیدهای احتمالی نقش دارند.

### سرلشکر عبداللهی: رژیم صهیونیستی را نابود خواهیم کرد

سردار سرلشکر «علی عبداللهی» رئیس ستاد کل نیروهای مسلح و فرمانده قرارگاه مرکزی حضرت خاتم‌الانبیا (ص) در مراسم رونمایی از شهر موشکی جدید نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که با حضور سردار «سیدمجید موسوی» برگزار شد، با اشاره به عملکرد نیروهای مسلح در مقابله با دشمن افزود: به فضل الهی، کاری شگفت‌انگیز انجام شد. وی در واکنش به اظهارات اخیر نتانیاهو تصریح کرد: نتانیاهو اخیراً گفته است «یا ما باید ایران را نابود کنیم یا ایران ما را نابود خواهد کرد». این سخن تازه‌ای نیست؛ روشن است که ما قطعاً آنان را نابود خواهیم کرد.

سرلشکر عبداللهی همچنین تأکید کرد: شگفتانه‌ها در جنگ آینده، یکی پس از دیگری نمایان خواهد شد.

سردار «سید مجید موسوی» فرمانده نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز در این مراسم، با اشاره به میراث فرماندهان این نیرو اظهار داشت: امروز به شکلی قابل قبول و قابل اتکا، آمادگی مقابله با هر تهدیدی را در منطقه و فرامنطقه داریم.

وی با تأکید بر اینکه دشمنان نباید چشم طمع به کشور داشته باشند، افزود: با اتکا به مردم بزرگواری که امروز معجزه‌گون مبعوث شده‌اند و بیش از ۹ ماه حضور ارزشمند خود را در میدان‌ها و خیابان‌ها به نمایش گذاشته‌اند، ان‌شاءالله‌تعالی، استقامت و پایمردی خود را در برابر دشمنان نشان خواهیم داد و آنان را از هرگونه خطا و اشتباه منصرف خواهیم کرد.

فرمانده نیروی هوافضای سپاه اضافه کرد: البته اگر ضرورت پیدا کند، تمام ظرفیت‌های آنان را در منطقه و فرامنطقه زیر آتش خود خواهیم گرفت و چیزی جز شکست و هزیمت برای دشمن باقی نخواهیم گذاشت. وی همچنین گفت: ان‌شاءالله در پایان هر مرحله از ایجاد فرصت‌ها و آمادگی‌ها، شاهد محصولات، سلاح‌ها و تجهیزات جدیدی در سازمان رزم نیروی هوافضا خواهید بود.

سیاسی

## مورد عجیب روح‌الامینی از زندانی شدن رسایی



عبدالحسین روح‌الامینی، نماینده مردم تهران و از نزدیکان رئیس مجلس، در اقدامی عجیب از زندانی شدن حجت الاسلام حمید رسایی دفاع کرد. وی در گفتگو با پایگاه خبری جماران(اصلاح‌طلب) در قانونی جلوه دادن شکایت قالیباف از رسایی و زندانی شدن وی، گفت: "چند روز پیش از اجرای حکم، خودم به آقای رسایی پیشنهاد دادم شما از قالیباف عذرخواهی کنید، من واسطه می‌شوم تا موضوع فیصله پیدا کند.رسایی گفت برای چه عذرخواهی کنم؟ وقتی فردی محکوم شده یعنی اشتباهی کرده ولی صراحتاً می‌گوید برای چه عذرخواهی کنم و تمایلی به این کار ندارد، وساطت فردی مثل من را هم نمی‌پذیرد زیرا آن را مایه کسر شأن خود می‌داند، باید از حکم تبعیت کند و آن را اجرا کند؛ راه دیگری وجود ندارد.)"

این اظهارات در شرایطی مطرح شدند که عموم صاحب نظران و کارشناسان حقوق نسبت به زندانی شدن یک نماینده مجلس در حین ایفای وظایف نمایندگی انتقاد کرده بودند. حتی بسیاری از نزدیکان به قالیباف در مجلس به خاطر بی سابقه بودن این محکومیت سکوت کرده‌اند. لذا اینکه یک نماینده مجلس از زندانی شدن یک نماینده دیگر مواضعی حمایت‌آمیز اتخاذ کند در نوع خودش جالب و عجیب است. گفتنی است که روایت روح‌الامینی از این ماجرا در حالی است که حجت الاسلام رسایی اخیرا اعلام کرده بود که از عذرخواهی کردن ابایی ندارد و حتی به گفته رسایی او سابقا زمانی که در یک مسئله متوجه شده است که اشتباهی از جانب او رخ داده از قالیباف عذرخواهی کرده است. اما در ماجرای اخیر که به زندانی شدن او منتهی شد وی معتقد است خطایی مرتکب نشده تا عذرخواهی کند.

# سرلشکر رضایی: تا زمان تحقق شروط ایران، تنگه هرمز باز نخواهد شد



دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران با تأکید بر اینکه بازگشایی تنگه هرمز منوط به تحقق شروط هفت‌گانه جمهوری اسلامی ایران است، پاسخ اولیه آمریکا به این شروط را ناکافی و فریبکارانه توصیف کرد.

سرلشکر محسن رضایی، دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران، در گفت‌وگو با شبکه المیادین با اشاره به شروط ایران برای بازگشایی تنگه هرمز اظهار کرد: «ما شروط هفت‌گانه خود را که همان حقوق ملت ایران است، اعلام کرده‌ایم و تا زمانی که این شروط محقق نشود، تنگه هرمز باز نخواهد شد.» وی با فریبکارانه خواندن پاسخ آمریکا به شروط ایران افزود: «ما شروط هفت‌گانه خود را به آمریکایی‌ها ارائه کرده‌ایم و منتظر پاسخ آن‌ها هستیم، اما پاسخ اولیه واشنگتن برای ما کافی نبوده است.»

رضایی تأکید کرد: «از آمریکایی‌ها خواسته‌ایم پاسخ صریح و روشنی به شروط ما بدهند، اما تاکنون چنین پاسخی ارائه نکرده‌اند؛ هرچند ممکن است در آینده پاسخ دهند.»

دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران همچنین ادعاها درباره برنامه‌ریزی برای دیدار با جی‌دی ونس، معاون رئیس جمهور آمریکا، را کاملاً نادرست و بی‌اساس دانست.

وی در ادامه تصریح کرد: «تمام ادعاهای آمریکایی‌ها درباره ادامه مذاکرات با ایران، با هدف کاهش فشارهای اقتصادی و پایین آوردن قیمت نفت مطرح می‌شود.»

رضایی در پایان گفت: «ادعاهای واشنگتن درباره ادامه مذاکرات با ایران و برگزاری نشستی در قطر، سراسر دروغ و افتراست.»

گزارش نوبنیاد از اثرات مهم و ادامه‌دار اقدام قاطع نیروهای مسلح در حمله به ۳ نفتکش متخلف

# روزی که ورق برگشت

**امضای سوءتفاهم‌نامه اسلام‌آباد با وجود هشدار پیشینی رهبر انقلاب درباره اهداف دشمن برای ایجاد خطای محاسباتی در مسئولان، خسارت‌های جبران‌ناپذیری به کشور وارد ساخت. اما تغییر علی‌الاصولی دبیر شورای عالی امنیت ملی، اصلاح دیپلماسی اسلام‌آباد و بازگشت حکمرانی در تنگه هرمز، در مدتی کوتاه معادلات را به نفع ایران برگرداند و نشان داد اصرار بر راهبرد علی‌الاصول می‌تواند جبهه ترامپ را در آمریکا شکست دهد و فشار افکار عمومی غرب علیه صهیونیست‌ها را رقم بزند؛ این در حالی است تا قبل انتخابات آمریکا حامیان تفاهم و جریان سازش با رویکرد «بدهیم برود» همچنان بر دفاع از آن سیاهه تاریک اصرار داشتند.**

جعفر کاظمی
روزنامه‌نگار

امضای سوءتفاهم‌نامه اسلام‌آباد با وجود هشدار پیشینی رهبر انقلاب نسبت به اهداف دشمن برای ایجاد خطای محاسباتی در مسئولان و همچنین نظر دیگر علی‌الاصولی ایشان، باعث خسارت‌های جبران‌ناپذیری به کشورمان شد. ناظر به همین موضوع، رهبر انقلاب، حضرت آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای در پیام ۱۴ خرداد شان درباره پشت پرده اهداف دشمن به یک نکته فنی اشاره داشتند، اینکه «دشمن با شکست در میدان نظامی برتاب‌آوری مردم و ایجاد خطای محاسباتی مسئولان تمرکز دارد.» اما درست ۱۱ روز بعد از همین فرمایشات رهبر انقلاب، تفاهم‌نامه زیانبار اسلام‌آباد که ایشان علی الاصول نسبت بدان نظری دیگری داشتند، نهایی شد.

اما با تغییر علی الاصولی دبیر شعام، اصلاح دیپلماسی اسلام‌آباد و بازگشت حکمرانی در تنگه هرمز، شرایط پس از مدت کوتاهی تغییر کرد؛ مدتی که در جریان آن، سوءتفاهم اسلام‌آباد به ترامپ فرصت داده بود تا نفت از تنگه هرمز عبور کند. با این حال این تغییر نشان داد که اصرار بر راهبرد علی الاصولی می‌تواند به کلی معادلات جنگ را به نفع ایران کن فیکون کند.

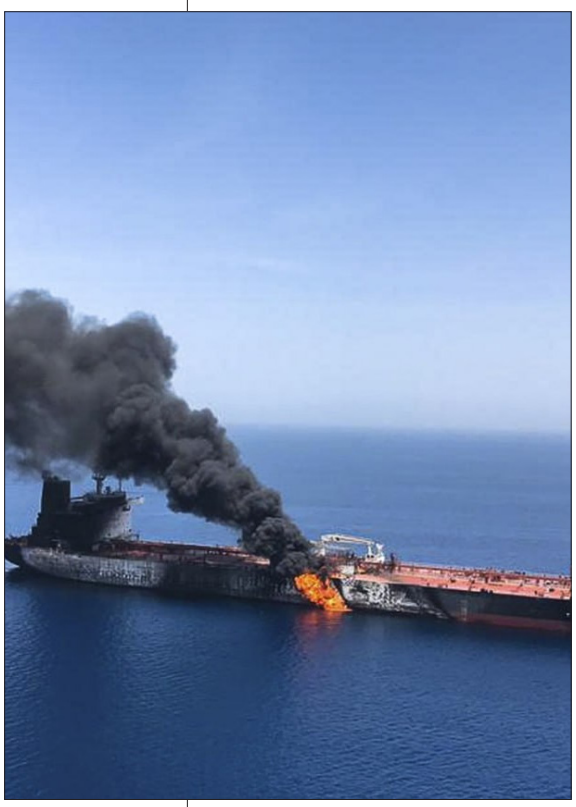
گفتنی است که تا قبل از اینکه اولین نتیجه عملیاتی سازی راهبرد علی الاصول یعنی شکست جمهوری خواهان نتیجه دهد، برخی از حامیان تفاهم‌نامه با متهم نمودن ایران به نقض تفاهم، در دفاع از این سیاهه تاریک دیپلماسی اصرار داشتند. اصراری که بنا داشت هرچه سریعتر و تا قبل برگزاری انتخابات آمریکا، پرونده تسلیم کشور به نفع آمریکا به طور کامل بسته شود. بویژه اینکه کرباسچی، دبیرکل سابق حزب کارگزاران سازندگی در برنامه به وقت ایران، راهبرد علی الاصولی میدان را زیر سوال برد و مدعی شده بود: «زدن سه نفتکش بعد از توافق نامه اسلام آباد بهانه آمریکا برای نقض تفاهمنامه بود» این درحالی است که جی دی ونس در مصاحبه‌ای با شبکه خبری «دیلی وایر» متعلق به بن شاپیرو، این موضوع را مطرح کرد که «ایالات متحده در حال فریب دادن ایران است و ذخایر انرژی جهان را برای اقدام نظامی احتمالی در آینده تأمین و تکمیل می‌کند.» از سوی دیگر رئیس جمهور جنایتکار آمریکا در گفت‌وگو با فاکس نیوز اذعان کرده بود که توافق با ایران «ارزش کاغذی که روی آن نوشته شده را ندارد».

علاوه بر متهم کردن ایران به نقض تفاهمنامه اسلام‌آباد، ترس افکنی میان مردم و تلاش برای وادار کردن مسئولان به امتیازدهی به آمریکا، دیگر محور عملیات روانی جریان سازش بود. در همین راستا نیز موضوع تمجیدهای عجیب و بی سابقه در معاهده ترکمانچای در ادبیات سیاسی ایران وارد شد. حسین مرعشی، دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران، طی اظهاراتی با هشدار درباره احتمال وقوع جنگ سوم، خطاب به مسئولان عالی‌رتبه گفته بود: «مسئولان برای جلوگیری از جنگ سوم مطلقاً حق هیچ ریسکی ندارند.» اما اوج سخنان سازش وار مرعشی آنجا بود که وی با اشاره دوران صفوی نتیجه‌گیری کرده بود که: «هر تدبیر سیاسی و نظامی و هر عقب‌نشینی تاکتیکی که لازم باشد باید انجام شود».

در کنار مرعشی و کرباسچی، محمد جواد ظریف، دیگر فردی بود که با اظهارات جنجالی و ضدامنیت ملی خود سعی داشت نسخه «بدهیم برود» تا قبل انتخابات آمریکا را پیاده سازی کند. او گفته بود: «اگر لازم باشد باید برای بقا به توافق نامه‌ای شبیه ترکمنچای تن بدهیم؛ بقا اولین اولویت هر موجود زنده‌ای است. وقتی موجودیت کشور در خطر است، به دنبال بقا می‌روی.» ظریف همچنین مدعی شده بود: «زمانی که عهدنامه ترکمنچای امضا شد، نیروهای روسیه در قزوین و پشت دروازه‌های تهران بودند و قصد اشغال تهران را داشتند.» وی همچنین گفته بود: «این‌ها تصمیمات سختی است و یک مسئول مجبور است در روزی آن تصمیمات را بگیرد.»

با این حال و با فرض این موضوع که علت نقض تفاهم‌نامه اسلام آباد هدف قرار گرفتن سه کشتی بوده است. باید توجه داشت که اتفاقا این رخداد سبب شکست خوردن جبهه ترامپ در آمریکا و نتیجه بخش بودن رویکرد «علی الاصول» بر رویکرد «بدهیم برود» است.

چراکه اگر قرار بود با ادامه این تفاهم محاصره ادامه داشته باشد و جریان عبور نفت از خلیج فارس به راحتی انجام پذیرد. آنگاه نه شکستی برای جمهوری خواهان صورت می‌گرفت و در همین حال زمینه برای تسلیم ایران مهیا میشد. همچنین فشار فعلی افکار عمومی آمریکا علیه تروریست‌های صهیونیست در منطقه امروز در اروپا و آمریکا به وجود نمی‌آمد. چنانکه دو روز پیش رئیس جمهور تروریست آمریکا سرانجام به یکی از مهم‌ترین پیامدهای سیاسی جنگ ضد ایران اذعان کرده بود و در یک گفت‌وگوی تلویزیونی تاکید کرد کاهش محبوبیت تل‌آویو در جامعه آمریکا به عاملی علیه جمهوری خواهان و دولتش تبدیل شده است.



## بیزاری از صهیونیست‌ها در آمریکا

**رئیس جمهور تروریست آمریکا در مصاحبه با برنامه «۶۰ دقیقه» شبکه تلویزیونی سی‌بی‌اس در تشریح دلایل شکست سنگین جمهوری‌خواهان در انتخابات میان‌دوره‌ای گفت: مردم از جنگ خوش‌شان نمی‌آید، از افزایش قیمت بنزین ناراضی‌اند و به شکلی باورنکردنی، بیزاری شدیدی نسبت به اسرائیل وجود دارد.**

یادداشت

## چرخش مواضع ونس در قبال ایران ناشی از چیست؟

فرزاد مخلص‌الائمه
استاندار مرکزی در دولت شهید رئیسی

بر اساس قانون اساسی ایالات متحده آمریکا، معاون رئیس جمهور به طور خودکار ریاست سنای این کشور را بر عهده دارد و مهم‌ترین اختیار او، رأی تعیین‌کننده در صورت تساوی آرای سناتورهاست. بنابراین، جی‌دی ونس هم‌اکنون رئیس سناست؛ اما برخلاف تصور، دیگر سناتور نیست. او در ۱۰ ژانویه ۲۰۲۵، پس از انتخاب به معاونت ریاست جمهوری، از کرسی سناتوری ایالت اوهایو استعفا داد و جان هستد جایگزین او شد. در واقع، ریاست ونس بر سنا ناشی از سمت معاونت ریاست جمهوری است، نه عضویت در این مجلس.

و اما در تحلیل رفتار سیاسی ونس نباید از چرخش مواضع او در قبال ایران غافل شد: از مخالفت با ورود آمریکا به جنگ در دوران سناتوری، به دفاع از اقدام نظامی ترامپ در مقام معاون رئیس جمهور و سپس، پس از شکست جمهوری‌خواهان در انتخابات میان‌دوره‌ای، معرفی جنگ با ایران به‌عنوان یکی از عوامل اصلی شکست و فاصله‌گیری آشکار از موضع ترامپ. این فراز و فرود مواضع را می‌توان در چارچوب محاسبات سیاسی ونس، حفظ موقعیت و چشم‌انداز رقابت‌های ریاست جمهوری ۲۰۲۸ تحلیل کرد؛ محاسباتی که پرسش‌هایی جدی درباره ثبات مواضع سیاسی او مطرح می‌کند.

خبر کوتاه

## زاکانی: در متن یک جنگ تمام‌عیار و ترکیبی هستیم

علیرضا زاکانی شهردار تهران در دیدار با نمایندگان تشکل‌های دانشجویی، با اشاره به شرایط کشور و ابعاد مختلف تقابل با دشمن اظهار کرد: همچنان ما در متن یک جنگ تمام‌عیار هستیم که ابعاد آن صرفاً به حوزه اقتصادی خلاصه نمی‌شود و با یک جنگ تمام‌عیار و ترکیبی روبه‌رو هستیم.

وی افزود: به فضل الهی پیروز نهایی هم در جنگ نظامی و هم در جنگ ترکیبی ملت بزرگ ایران است. تا به امروز نیز ما پیروز این نبرد بوده‌ایم که نتایج آن را می‌توان در انتخابات‌های اخیر اسرائیل و آمریکا مشاهده کرد؛ شکست نتانیاهو و جمهوری‌خواهان حامی ترامپ باعث شده است حتی خود آنان هم اعتراف کنند جنگ با ایران عامل اصلی این شکست بوده است. شهردار تهران با بیان اینکه کشور در میانه راه قرار دارد، تصریح کرد: ما در میانه راه هستیم و برای اینکه در نبرد پیروزی ما قطعی و نهایی شود، نیازمند رعایت ملزوماتی هستیم که برای تحقق آن، جریان دانشجویی می‌تواند یکی از نقش‌آفرین‌های جدی باشد؛ هم در متن دانشگاه و هم بیرون آن.

زاکانی با اشاره به تلاش دشمن برای ایجاد آشوب در دانشگاه‌ها در مهرماه گفت: در مهرماه دشمن تمرکز ویژه‌ای بر برهم زدن دانشگاه‌ها داشت، اما گام بلندی که شما برداشتید، با حضور فعال‌تان در جریان دانشگاه باعث خنثی شدن توطئه دشمنان و ایجاد شرایط متفاوتی در دانشگاه شد. امروز نیز ادامه این روند، همان‌طور که در فرمایشات دوستان هم به آن اشاره شد، بسیار مهم است.

# رکورد تاریخی ورود پول حقیقی به بورس شکسته شد



بازار سهام در معاملات دیروز (سه‌شنبه ۱۹ آبان ۱۴۰۵)، یکی از روزهای کم‌سابقه خود را پشت سر گذاشت و با برتری تقاضا و ورود بیش از ۱۱ هزار میلیارد تومان نقدینگی حقیقی، سبزپوش به کار خود پایان داد. معاملات در حالی آغاز شد که حدود ۹۷ درصد نمادها در محدوده مثبت قرار داشتند و موج تقاضا از همان دقایق ابتدایی، صف‌های خرید گسترده‌ای را در بازار شکل داد. این روند تا پایان معاملات ادامه یافت و در نهایت نیز ۹۷ درصد نمادها با رشد قیمت به کار خود پایان دادند. مهم‌ترین اتفاق روز گذشته، ورود بی‌سابقه پول حقیقی بود. خالص ورود پول حقیقی به سهام و صندوق‌های سهامی به ۱۱ هزار و ۴۸۹ میلیارد تومان رسید که از آن، حدود ۸ هزار و ۶۰۰ میلیارد تومان به سهام و بیش از ۲ هزار و ۸۰۰ میلیارد تومان به صندوق‌های سهامی اختصاص داشت. در مقابل، صندوق‌های درآمد ثابت با خروج ۵ هزار و ۴۱۲ میلیارد تومان نقدینگی مواجه شدند. بیشترین ورود پول حقیقی نیز به گروه بانک‌ها و مؤسسات اعتباری، سرمایه‌گذاری و خود‌رو اختصاص یافت.

ارزش معاملات خرد سهام و صندوق‌های سهامی به ۳۵ هزار و ۷۶۳ میلیارد تومان رسید. همچنین مجموع ارزش معاملات بازارهای بورس و فرابورس در محدوده ۶۶ هزار میلیارد تومان قرار گرفت و ارزش کل بازارهای سهام به حدود ۲۹ هزار و ۹ هزار میلیارد تومان رسید. شاخص کل بورس تهران با رشد ۲۱۹ هزار و ۹۲۴ واحدی (۲.۷ درصد) به ۸ میلیون و ۳۵۷ هزار و ۸۸۸ واحد رسید. شاخص هم‌وزن نیز با افزایش ۵۵ هزار و ۸۵۰ واحدی (۲.۴۵ درصد) در ارتفاع ۲ میلیون و ۳۳۸ هزار و ۱۹۵ واحد ایستاد. شاخص فرابورس ایران هم با افزایش ۱۶۴۶ واحدی (۲.۳۹ درصد) و صعود به کانال ۷۰ هزار واحدی به ۷۰ هزار و ۴۵۹ واحد رسید. بررسی وضعیت سفارش‌ها نیز از برتری قاطع خریداران حکایت دارد. بازار با ۶۴۵ صف خرید به ارزش ۲۵.۵ هزار میلیارد تومان در مقابل تنها ۶ صف فروش به ارزش ۲۳۰ میلیارد تومان بسته شد. همچنین سرانه خرید حقیقی‌ها ۱۲۵ میلیون تومان و سرانه فروش ۷۶ میلیون تومان بود؛ موضوعی که قدرت بیشتر خریداران را نشان می‌دهد. تداوم صف‌های خرید و رشد پرشتاب قیمت‌ها، احتمال افزایش عرضه و شناسایی سود را در معاملات امروز مطرح می‌کند. در صورتی که ورود پول حقیقی ادامه یابد و تقاضا در برابر عرضه‌ها مقاومت کند، می‌توان به تداوم روند مثبت بازار امیدوار بود.

گزارش‌های بانک مرکزی نشان می‌دهد؛

# تورم تولید ۱۲۶ درصد، تورم مصرف ۸۳ درصد

تشدید تورم دیگر صرفاً به بازار مصرف و افزایش قیمت کالاها و خدمات محدود نیست و تازه‌ترین آمارهای بانک مرکزی نشان می‌دهد فشار گرانی به شکل همزمان در بخش تولید و مصرف جریان دارد. بررسی گزارش‌های بانک مرکزی از شاخص بهای تولیدکننده و کالاها و خدمات مصرفی در مهرماه ۱۴۰۵ نشان می‌دهد اقتصاد ایران با تشدید فشار تورمی در دو سوی زنجیره تولید و مصرف مواجه است. تورم سالانه تولیدکننده به ۹۸.۳ درصد و تورم مصرف‌کننده به ۷۱.۴ درصد رسیده، درحالی‌که تورم نقطه‌ای صنعت از ۱۶۷ درصد و تورم نقطه‌ای کالاهای مصرفی از ۱۱۵ درصد عبور کرده است.




نیما سهیلی
روزنامه‌نگار

براساس گزارش بانک مرکزی، شاخص بهای تولیدکننده در مهرماه امسال به ۸۳۷.۸ واحد رسیده که نسبت به ماه قبل ۱۰.۵ درصد و در مقایسه با ماه مشابه سال گذشته (تورم نقطه‌به‌نقطه) ۱۲۵.۹ درصد افزایش داشته است. تورم سالانه تولیدکننده نیز به ۹۸.۳ درصد رسیده و در آستانه عبور از مرز ۱۰۰ درصد قرار گرفته است. در بخش مصرف‌کننده نیز شاخص بهای کالاها و خدمات در مناطق شهری به ۸۳۶.۸ واحد رسیده و تورم ماهانه ۴.۶ درصدی و تورم سالانه ۷۱.۴ درصدی را ثبت کرده است. این ارقام نشان می‌دهد افزایش قیمت‌ها در بخش تولید با شدت بیشتری نسبت به بازار مصرف جریان دارد. تداوم افزایش هزینه‌های تولید می‌تواند زمینه انتقال فشارهای قیمتی به مراحل بعدی یعنی زنجیره عرضه و در نهایت خانوارها را ایجاد کند.

## هزینه تولید در یک سال ۲٫۲۵ برابر شد

بررسی روند یک‌ساله تورم تولیدکننده نشان می‌دهد وضعیت هزینه‌های تولید به تدریج وخیم‌تر شده است. تورم دوازده‌ماهه تولیدکننده در مهرماه سال گذشته ۳۸.۱ درصد بود که در مهر امسال به ۹۸.۳ درصد رسیده است. به این ترتیب، این شاخص طی یک سال ۶۰.۲ واحد درصد افزایش یافته است. تورم نقطه به نقطه بخش تولید نیز از ۵۴.۲ درصد در مهر ۱۴۰۴ به ۱۲۵.۹ درصد در مهر امسال رسیده است. معنای این رقم آن است هزینه‌های تولید کالا و خدمات به‌طور متوسط نسبت به مهرسال گذشته ۱۲۵.۹ درصد افزایش داشته، یعنی هزینه تولید دو برابر شده است. روند تورم ماهانه بخش تولید نیز از بازگشت شتاب افزایش هزینه‌ها حکایت دارد. این شاخص که در تیرماه به ۱.۸ درصد کاهش یافته بود، در مرداد به ۴.۲ درصد و در شهریور به ۴.۹ درصد رسید و در مهرماه با جهشی قابل توجه به ۱۰.۵ درصد افزایش یافت. همچنین در اردیبهشت‌ماه تورم ماهانه تولیدکننده ۱۵.۸ درصد ثبت شده بود که یکی از بالاترین نرخ‌های این دوره محسوب می‌شود.

## صنعت کانون اصلی افزایش هزینه‌ها

تفکیک کالا و خدمات در شاخص تولیدکننده نیز نشان می‌دهد فشار تورمی در بخش تولید کالاها بیشتر است. کالاها سهم ۷۷.۵۴ درصدی در محاسبه شاخص دارند و تورم ماهانه آنها در مهرماه ۱۱ درصد ثبت شده اما سهم خدمات ۲۲.۴۶ درصد و تورم ماهانه این بخش ۸.۴ درصد بوده است. بررسی جزییان گزارش بانک مرکزی نشان می‌دهد صنعت بیش از سایر بخش‌های اقتصادی در معرض فشار تورمی قرار گرفته است. این بخش با وزن ۵۷.۱۵ درصدی، بیشترین سهم را در شاخص بهای تولیدکننده دارد. تورم ماهانه صنعت در مهرماه به ۱۲.۷ درصد رسیده؛ درحالی که این نرخ در شهریور ۵.۲ درصد بود. تورم نقطه به نقطه این بخش نیز از ۱۴۹.۳ درصد در شهریور به ۱۶۷.۹ درصد در مهرماه افزایش یافته است.

این وضعیت در شرایطی رخ داده که فعالیت صنعتی به مجموعه‌ای از نهاده‌ها، از مواد اولیه و قطعات گرفته تا انرژی، حمل‌ونقل و خدمات پشتیبان وابسته است. افزایش هزینه هریک از این عوامل می‌تواند قیمت تمام‌شده محصولات را بالا ببرد. با این حال آموزش با ۲۷.۱ درصد بالاترین تورم ماهانه را ثبت کرده است. پس از آن، استخراج معدن با ۱۵.۳ درصد و صنعت با ۱۲.۷ درصد قرار دارند. تورم ماهانه بخش حمل‌ونقل و انبارداری ۷ درصد، کشاورزی، جنگلداری و ماهیگیری ۵.۲ درصد، هتل و رستوران ۴.۷ درصد، بهداشت و مددکاری اجتماعی ۲.۴ درصد، فعالیت‌های اداری و خدمات پشتیبانی ۲.۱ درصد و اطلاعات و ارتباطات ۱.۷ درصد بوده است.

## چرا هزینه تولید افزایش یافت؟

نخستین عامل، افزایش هزینه تأمین مواد اولیه و نهاده‌های تولید است. بخش قابل توجهی از صنایع کشور به واردات مواد اولیه، قطعات و تجهیزات وابسته‌اند. افزایش نرخ ارز یا دشوارتر شدن دسترسی به منابع ارزی هزینه این نهاده‌ها را افزایش دهد. حتی تولیدکنندگانی که از مواد اولیه داخلی استفاده می‌کنند نیز ممکن است به‌صورت غیرمستقیم به دلیل قیمت‌گذاری براساس نرخ ارز از افزایش قیمت نهاده‌ها تأثیر بپذیرند. البته جنگ، محاصره دریایی و محدودیت‌های تجاری و بانکی و افزایش هزینه مبادلات خارجی نیز اثرگذار است اما با توجه به سیاست ارزی دولت چهاردهم در افزایش نرخ ارز، سهم این سیاست‌ها بیشتر از سایر عوامل است.

## گرانی کالاها شتاب گرفت

گزارش بانک مرکزی از نرخ تورم مصرف‌کننده در شهرها نیز از افزایش فشار تورمی بر خانوارها حکایت دارد. شاخص کل بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری در مهرماه به ۸۳۶.۸ واحد رسیده و تورم ماهانه آن ۴.۶ درصد ثبت شده است. این نرخ در شهریور ۳.۹ درصد بود و به این ترتیب تورم ماهانه در فاصله یک ماه ۰.۷ واحد درصد افزایش یافته است. تورم سالانه نیز از ۶۸.۴ درصد در شهریور به ۷۱.۴ درصد در مهرماه رسید که افزایش ۳ واحد درصدی را تجربه کرده است. البته تورم نقطه‌به‌نقطه از ۸۳.۸ درصد در شهریور به ۸۳.۵ درصد در مهرماه کاهش یافته است. با این حال، این کاهش ۰.۳ واحد درصدی را نشانه کاهش قیمت‌ها یا مهار گرانی نیست. تورم نقطه‌ای ۸۳.۵ درصدی به این معناست که خانوارهای شهری برای خرید مجموعه یکسانی از کالاها و خدمات مصرفی در مهر امسال نسبت به مهر سال گذشته به‌طور متوسط ۸۳.۵ درصد بیشتر هزینه کرده‌اند. نکته مهم در این میان، وضعیت کالاها در مقایسه با خدمات است. تورم ماهانه کالاها در مهرماه به ۵.۴ درصد رسیده، درحالی که این نرخ در شهریور ۳.۳ درصد بود. در مقابل، تورم ماهانه خدمات از ۴.۶ درصد در شهریور به ۳.۵ درصد در مهرماه کاهش یافته است. فاصله تورمی در مقایسه سالانه نیز چشمگیر است. تورم نقطه‌به‌نقطه کالاها به ۱۱۵.۵ درصد رسیده، درحالی که تورم نقطه‌ای خدمات ۵۱.۷ درصد بوده است. همچنین تورم سالانه بخش کالاها ۱۰۱.۶ درصد و تورم سالانه خدمات ۴۳.۱ درصد ثبت شده است. به این ترتیب، تورم سالانه کالاها از ۹۷.۳ درصد در شهریور به ۱۰۱.۶ درصد در مهرماه رسیده و تورم خدمات نیز از ۴۱.۶ درصد به ۴۳.۱ درصد افزایش یافته است. این آمار نشان می‌دهد افزایش قیمت کالاها در بازار مصرف با شدت بیشتری نسبت به خدمات ادامه دارد؛ موضوعی که با فشار تورمی بیشتر کالاها در بخش تولیدکننده نیز همخوانی دارد.

## خوراکی‌ها و مسکن؛ فشار اصلی بر هزینه خانوار

یکی از مهم‌ترین بخش‌های گزارش تورم، گروه خوراکی‌ها و آشامیدنی‌هاست؛ زیرا این گروه سهم قابل توجهی در هزینه‌های خانوار دارد و افزایش قیمت آن مستقیماً بر معیشت مردم اثر می‌گذارد. براساس گزارش بانک مرکزی، تورم ماهانه خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها در مهرماه ۳.۷ درصد بوده است؛ درحالی که این نرخ در شهریور ۱.۷ درصد ثبت شده بود؛ بنابراین تورم ماهانه این گروه ۲ واحد درصد افزایش یافته است. افزایش قیمت خوراکی‌ها فشار بیشتری بر دهک‌های کم‌درآمد وارد می‌کند؛ زیرا سهم بیشتری از درآمد این خانوارها صرف تأمین مواد غذایی می‌شود. تورم ماهانه در گروه مسکن، آب، برق، گاز و سایر سوخت‌ها در مهرماه ۳ درصد ثبت شده که نسبت به نرخ ۵.۱ درصدی شهریور کاهش ۲.۱ واحد درصدی داشته است. تورم ماهانه حمل‌ونقل از ۷.۱ درصد در شهریور به ۱۰.۶ درصد در مهرماه رسیده است. گروه بهداشت و درمان نیز تورم ماهانه ۳.۲ درصدی را ثبت کرده که نسبت به نرخ ۲.۴ درصدی شهریور افزایش داشته است.

## جهش هزینه آموزش و پوشاک

آموزش با تورم ماهانه ۳۶.۱ درصدی بیشترین افزایش قیمت را در مهرماه تجربه کرده است. این نرخ در شهریور تنها ۱.۸ درصد بود و به این ترتیب ۳۴.۳ واحد درصد افزایش را نشان می‌دهد. ارتباطات با تورم ماهانه ۱۲.۶ درصدی و پوشاک و کفش با تورم ۱۱ درصد در جایگاه‌های بعدی قرار گرفته‌اند. تورم پوشاک و کفش در شهریور ۵.۶ درصد بود و تقریباً دو برابر شده است. حمل‌ونقل نیز با تورم ۱۰.۶ درصدی از دیگر گروه‌های دارای افزایش قابل توجه قیمت‌هاست.

## انتقال گرانی تولید به خانوارها

بررسی دو گزارش بانک مرکزی نشان دهنده این است که فشار افزایش قیمت‌ها در بخش تولید همچنان بالاست و در بخش مصرف نیز آثار آن در قالب رشد قیمت کالاها قابل مشاهده است. البته تورم تولیدکننده یا یک وقفه زمانی کوتاه به بخش مصرف یعنی خانوارها منتقل می‌شود. با این حال افزایش هزینه تأمین مواد اولیه و نهاده‌های تولید و افزایش نرخ ارز، از جمله عواملی هستند که فشار بیشتری بر بنگاه‌ها وارد می‌کنند. آنچه وضعیت را نگران‌کننده‌تر می‌کند، همزمانی افزایش هزینه تولید با کاهش قدرت خرید خانوارهاست. تولیدکننده برای ادامه فعالیت با هزینه‌های بالاتر روبه‌روست و مصرف‌کننده نیز توان کمتری برای خرید کالاها و خدمات دارد. تداوم چنین شرایطی می‌تواند هم حاشیه سود بنگاه‌ها و هم تقاضای را کاهش دهد.

گزارش مهرماه شاپرک از پشت پرده رشد اسمی تراکنش‌ها می‌گوید؛

# تراکنش‌های بزرگ، مؤید تورم بزرگ!

**تورم افسارگسیخته و سیاست‌های نادرست اقتصادی، قدرت خرید مردم را هرروز بیش ازگذشته تحلیل می‌برد. اکنون گزارش مهرماه شاپرک نیز تصویری از این وضعیت ارائه می‌دهد؛ وضعیتی که در آن، پشت رشد اسمی ارزش تراکنش‌های بانکی، کاهش رشد واقعی مبادلات، ثبت صدها میلیون تراکنش ناموفق و وجود بیش از ۲ میلیون پایانه فروشگاهی بدون تراکنش پنهان شده است. این آمار نشان می‌دهد ضعف مدیریت اقتصادی و ناکارآمدی زیرساخت‌های پرداخت، هم‌زمان معیشت و آسایش مالی مردم را تحت فشار قرار داده است.**



هادی مولایی
روزنامه‌نگار

در طول دو سال اخیر و پس از استقرار دولت چهاردهم، روند نزولی تورم، با اتخاذ سیاست‌های نادرست ارزی و نیز گرانی‌های متعددی که دولت با رسمیت‌بخشیدن به آن‌ها سبب تشدید روند افزایشی قیمت‌ها شد، نگرانی‌های فراوانی را درباره کوچک‌شدن سفره مردم ایجاد کرد. قدرت خرید مردم هر روز با افزایش سرسام‌آور قیمت‌ها و در سایه ناکارآمدی دولت در اداره امور، بیش از پیش از دست می‌رود. طی روزهای گذشته، گزارش عملکرد سامانه شاپرک که عمده تراکنش‌های مالی مردم از طریق آن انجام می‌شود، منتشر شد. در نگاه اول، رشد ۹۸،۱۶ درصدی ارزش اسمی تراکنش‌ها به چشم می‌آید، اما با احتساب تورم نقطه‌به‌نقطه ۸۸،۶۶ درصدی، مشخص می‌شود که رشد واقعی ارزش تراکنش‌ها تنها ۵،۰۳ درصد بوده است. این آمار نشان می‌دهد رشد ارزش تراکنش‌ها بیش از آنکه نشانه‌ای از افزایش معاملات و مبادلات مردم باشد، از افزایش قیمت‌ها سرچشمه می‌گیرد.

وقتی تعداد تراکنش‌ها نسبت به ماه قبل (شهریورماه سال جاری) ۳،۲۳ درصد و ارزش واقعی آن نسبت به همان مقطع ۳،۲۵ درصد کاهش داشته است، می‌توان دریافت که وجود تورم ماهانه ۴،۳ درصدی تأثیر بسزایی بر کاهش توان خرید و میزان تعاملات مالی مردم داشته است. در شرایطی که توسعه فناوری و گسترش پرداخت‌های الکترونیکی روند طبیعی افزایش تعداد تراکنش‌ها را به همراه دارد، کاهش این شاخص می‌تواند نشانه‌ای هشداردهنده از افت قدرت خرید و محدودشدن مبادلات اقتصادی خانوارها باشد؛ موضوعی که باید مورد توجه جدی سیاست‌گذاران قرار گیرد. نرخ تورم نقطه‌به‌نقطه مهرماه ۸۸،۷ درصد و تورم سالانه در همین مقطع ۷۶،۸ درصد بوده است. البته این ارقام در سبد خانوار دهک‌های درآمدی پایین‌تر جامعه بالاتر است و از سخت‌ترشدن زندگی اقشار ضعیف و متوسط جامعه حکایت دارد. انتشار گزارش مهرماه شاپرک نیز مؤید همین نکته است که مبادلات مردم به‌دلیل ازدست‌رفتن قدرت خریدشان، کمتر و بی‌رمق‌تر شده است.

## رشد اسمی تراکنش‌ها؛ رونق اقتصادی یا توهم آماری؟

افزایش ارزش ریالی تراکنش‌های بانکی در شرایط تورمی، لزوماً به معنای افزایش حجم خرید و بهبود وضعیت اقتصادی خانوارها نیست. در واقع، وقتی قیمت کالاها و خدمات با شتاب زیادی بالا می‌رود، مردم برای تهیه همان میزان کالای قبلی نیز ناچارند مبالغ بیشتری بپردازند. از سوی دیگر، تداوم تورم می‌تواند خانوارها را به سمت حذف برخی اقلام از سبد مصرفی، کاهش خریدهای غیرضروری و محدودکردن هزینه‌های روزمره سوق دهد. در چنین شرایطی، رشد ارزش اسمی مبادلات نمی‌تواند به‌تنهایی معیاری برای سنجش رونق اقتصادی باشد. آنچه اهمیت دارد، بررسی حجم واقعی معاملات و میزان کالا و خدماتی است که مردم با درآمد خود قادر به خرید آن هستند؛ بنابراین، سیاست‌گذار اقتصادی نباید افزایش اعداد اسمی را دستاوردی در حوزه مبادلات مالی معرفی کند، درحالی که قدرت خرید خانوارها همچنان زیر فشار سنگین تورم قرار دارد.

## مردم هزینه ناکارآمدی را چگونه می‌پردازند؟

از دیگر داده‌های منتشرشده که بیانگر ناکارآمدی شبکه پرداخت ذیل بانک مرکزی است، آمار مربوط به خطاهای تراکنش‌هاست. خطاهای پذیرندگی در مقایسه با سال گذشته ۳۵،۱۴ درصد افزایش یافته و میزان تراکنش‌های مغایرتی نیز رشد ۲۱،۸۱ درصدی را نشان می‌دهد. افزایش خطاهای پذیرندگی و تراکنش‌های مغایرتی در شرایطی که رشد تعداد کل تراکنش‌ها محدود بوده است، پرسش‌هایی جدی درباره کیفیت خدمات و کارآمدی زیرساخت‌های شبکه پرداخت پیش می‌کشد. فقط در مهرماه سال جاری شاهد ثبت بیش از ۳۸۳ میلیون تراکنش ناموفق بوده‌ایم. وجود این میزان خطا در شبکه‌ای که نشانه‌ای از ضعف زیرساخت‌های آن است، سبب می‌شود به‌دلیل مغایرت‌های مالی و تأخیر در بازگشت وجه، هزینه‌های زمانی و مالی مضاعفی به مصرف‌کننده تحمیل شود. همه این موارد در کنار افزایش فشار معیشتی می‌تواند سبب بروز نارضایتی مردم شریف ایران اسلامی شود.

## ۲ میلیون کارتخوان بدون تراکنش

نکته بعدی که نیازمند تأکید و توجه است، وجود بیش از ۲ میلیون و ۱۰ هزار پایانه فروشگاهی فاقد هرگونه تراکنش مالی ثبت‌شده است. این آمار این پرسش را در ذهن مخاطب ایجاد می‌کند که آیا توسعه و نگهداری شبکه پرداخت، متناسب با شرایط و نیاز واقعی بازار بوده است؟ آیا ارزیابی مستمری از بهره‌وری این شبکه انجام شده یا صرفاً گسترش کمی پایانه‌ها در دستور کار قرار داشته است؟ با توجه به هزینه‌هایی که نگهداری زیرساخت‌ها به کشور تحمیل می‌کند، ضرورت دارد مجموعه اداره‌کننده شاپرک نسبت به ساماندهی، جمع‌آوری و توزیع متناسب پایانه‌ها حساسیت به خرج دهد و در این راستا اقداماتی به‌موقع و مقتضی صورت دهد. با توجه به اینکه شاپرک مسئولیت ساماندهی و نظارت فنی بر شبکه پرداخت کارتی را بر عهده دارد و بانک مرکزی نقش تنظیم‌گر و ناظر بالادستی نظام پرداخت به شمار می‌رود، انتشار آمار عملکرد شبکه نباید به معنای پایان مسئولیت نهادهای ناظر تلقی شود.

بانک مرکزی و شاپرک باید درباره علل افزایش خطاها، پیامدهای آن برای کاربران و برنامه‌های مشخص خود برای رفع اختلالات پاسخ‌گو باشند. موضوع دیگری که مجموعه شاپرک و بانک مرکزی موظف‌اند اهتمام ویژه‌ای به آن داشته باشند، ارزیابی بهره‌وری پایانه‌ها و مدیریت هزینه‌های توسعه شبکه است تا دیگر شاهد آمار میلیونی پایانه‌های فاقد تراکنش نباشیم و از هدررفت منابع کشور جلوگیری شود. بانک مرکزی باید نسبت به انتشار منظم شاخص‌های کیفیت خدمات و عملکرد شرکت‌های پرداخت اهتمام ورزد. همچنین باید به هزینه‌هایی که وجود اختلال در نظام پرداخت به مصرف‌کننده تحمیل می‌کند، توجه جدی شود تا از بروز نارضایتی عمومی پیشگیری گردد.

با در نظرگرفتن شرایط خاص کشور و فشار معیشتی روزافزون بر توان خرید مردم، ضروری است رئیس کل بانک مرکزی و مدیران شاپرک نسبت به حوزه مسئولیت خود توجهی ویژه داشته باشند. اگرچه برطرف‌ساختن ایرادات نظام پرداخت به‌تنهایی نمی‌تواند بار سنگین مشکلات مالی و اقتصادی جامعه را سبک کند، افزایش پایداری و کارآمدی این شبکه می‌تواند به آرامش روانی و اطمینان خاطر بیشتر مردم نسبت به تعاملات مالی روزمره یاری رساند. در این مسیر، انتظار اصلی از مسئولان امر، پرهیز از دستاوردسازی بر پایه افزایش اسمی تراکنش‌ها در شرایط تورمی و پنهان‌نکردن ضعف‌های کیفی و عدم بهره‌وری شبکه در سایه آمارهای درشت است.

## افزایش حقوق بدون مهار تورم اثری ندارد

**غلامحسین زارعی، دبیر اول کمیسیون اقتصادی مجلس، در واکنش به خبر مربوط به لایحه بودجه سال آینده و پیشنهاد دولت مبنی بر افزایش ۳۵ درصدی حقوق کارمندان، گفت: این میزان افزایش با نیازهای واقعی معیشتی مردم فاصله زیادی دارد و دولت باید به واقعیت‌های اقتصادی و معیشتی، به‌ویژه شاخص‌های کلان اقتصادی، توجه بیشتری کند تا میان قدرت خرید مردم و تورم لجام‌گسیخته در شرایط کنونی کشور تناسب منطقی ایجاد شود. رقم ۳۵ درصد در برابر نرخ واقعی تورم و فشار اقتصادی بر سفره‌های مردم، بسیار ناچیز و ناکافی است و هرگز نمی‌تواند به بهبود کیفیت زندگی کارمندان منجر شود. نکته تکان‌دهنده این است که حتی همین افزایش اندک نیز اگر بدون برنامه‌ای جامع برای مهار تورم و نظارت سخت‌گیرانه بر بازار باشد، در کوتاه‌ترین زمان با افزایش تورم خنثی خواهد شد.**

نبض اقتصاد

## کالابرگ در ایستگاه حذف؛ محاسبات دولت کجا اشتباه بود؟

دولت از ابتدا وعده داده بود منابع حاصل از حذف ارز ترجیحی ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی را در قالب کالابرگ به سفره مردم بازگرداند. این طرح که قرار بود سپری در برابر گرانی کالاهای اساسی و ابزاری برای حفظ قدرت خرید مردم باشد، حالا با چالش‌هایی مواجه شده که خانوارها را نگران کرده است. اکنون که نرخ ارز تجاری (واردات) از حدود ۱۳۰ هزار تومان در زمان آغاز اجرای کالابرگ یک میلیون تومانی، به بیش از ۱۹۰ هزار تومان رسیده، دولت باید اعلام کند چه میزان منابع از محل مابه‌التفاوت نرخ ارز تحقق یافته و چه سهمی از آن به کالابرگ اختصاص پیدا کرده است. دولت که در زمان حذف ارز ترجیحی وعده داد منابع حاصل از این تصمیم را به‌صورت مستقیم به مردم بازگرداند، اکنون در حالی از بازنگری در فهرست مشمولان و حذف برخی خانوارها سخن می‌گوید که هنوز توضیح روشنی درباره مبانی محاسباتی و اقتصادی این تصمیم ارائه نکرده است.

ایمان زنگنه، سخنگوی معاونت رفاه و امور اجتماعی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، دیروز با اشاره به تغییرات جدید در شیوه اجرای کالابرگ اعلام کرد: «کمتر از ۱۰ درصد خانوارها مشمول بازنگری (حذف) خواهند شد. در ابتدا قرار بود کالابرگ برای همه هموطنان اجرا شود، اما با توجه به شرایط فعلی، رویکرد عدالت‌محور دولت و نگاه ویژه رئیس جمهور، تصمیم بر بازنگری و اصلاح فرایند اجرا گرفته شد.» زنگنه با تأکید بر اینکه بازنگری در وضعیت خانوارها به معنای حذف قطعی آن‌ها نیست، گفت: «براساس آمار فعلی، ۵۳.۹ درصد خانوارهای کشور مشمول افزایش ۵۰ درصدی اعتبار کالابرگ می‌شوند.» این اظهارات در حالی مطرح می‌شود که دولت پیش از این، برخورداری همه مردم از کالابرگ را در دستور کار قرار داده بود و حتی در جریان بررسی بودجه امسال نیز بر فراگیر بودن این حمایت تأکید شده بود. اکنون اما ظاهراً محاسبات اولیه دولت درباره منابع، هزینه‌ها و نحوه توزیع اعتبار با واقعیت‌های اجرایی طرح همخوانی ندارد و نتیجه آن، بازنگری در فهرست کالابرگ‌بگیران شده است. وقتی دولت از تغییر فهرست مشمولان سخن می‌گوید، طبیعی است که مردم بدانند چه کسانی و براساس چه محاسباتی قرار است از دریافت این حمایت محروم شوند. در این باره، زنگنه اعلام کرد: «درآمد، میزان خرید، دارایی‌های ملکی، خودرو، سهام، اوراق بهادار و صندوق‌های سرمایه‌گذاری از جمله معیارهای سنجش وسع اقتصادی خانوارهاست.» او تأکید کرد: «داشتن یک منزل و یک خودرو باعث حذف کالابرگ نمی‌شود و خانوار سه نفره در صورت داشتن بیش از سه ملک، مشمول اصلاح و بازنگری خواهد شد.»

اما مسئله اصلی این است که آیا مالکیت دارایی به معنای برخورداری از درآمد کافی و قدرت خرید متناسب با هزینه‌های زندگی است؟ ممکن است خانواری صاحب یک واحد مسکونی باشد، اما درآمد ماهانه آن حتی کفاف هزینه‌های ضروری را ندهد. سهام‌داری در بورس یا داشتن خودروی قدیمی نیز به خودی خود نشان‌دهنده توان اقتصادی بالا نیست. بنابراین، صرف جمع‌آوری اطلاعات دارایی‌ها نمی‌تواند جایگزین ارزیابی دقیق وضعیت معیشتی خانوار شود. نکته قابل تأمل آن است که وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در حالی از سنجش استطاعت اقتصادی مردم و تعیین گروه‌های برخوردار سخن می‌گوید که همچنان خط فقر را به‌صورت شفاف اعلام نمی‌کند. چگونه می‌توان از خانوارها آزمون وسع گرفت و درباره برخورداری یا عدم برخورداری آن‌ها تصمیم گرفت، اما مشخص نکرد که حداقل هزینه تأمین یک زندگی چقدر است؟ وقتی معیار رسمی و روشنی از خط فقر در اختیار مردم قرار نمی‌گیرد، مردم چگونه می‌توانند تشخیص دهند تصمیم دولت درباره وضعیت اقتصادی آن‌ها بر چه مبنایی اتخاذ شده است؟ این در حالی است که دیوان محاسبات کل کشور اعلام کرده بود در بودجه امسال، ۹۹۶ هزار میلیارد تومان برای اجرای طرح کالابرگ پیش‌بینی شده و حذف بخشی از مشمولان فاقد مجوز قانونی است.

یادداشت

# بازی خطرناک الزیدی

محسن پوردادفر
روزنامه‌نگار

آنچه این روزها در رفتار دولت عراق و شخص علی الزیدی مشاهده می‌شود، مجموعه‌ای از مواضع، اقدامات و گزارش‌ها از شکل‌گیری مسیری نگران‌کننده حکایت دارد که نتیجه آن می‌تواند تضعیف جبهه مقاومت عراق، محدودسازی روابط راهبردی ایران و عراق و باز کردن میدان برای مداخله بیشتر آمریکا در معادلات منطقه باشد. همزمانی بازگشایی مرز شلمچه با جلوگیری از پرواز تیم ملی فوتبال ایران به مقصد بصره، در کنار گزارش‌ها درباره فشار واشنگتن برای مهار گروه‌های مقاومت، نشانه‌هایی است که نمی‌توان به‌سادگی از کنار آن عبور کرد.

در همین چارچوب، نخستین نشانه جدی این تغییر رویکرد را باید در نحوه مواجهه دولت الزیدی با گروه‌های مقاومت عراق جست‌وجو کرد. روزنامه لبنانی «النهار» گزارش داده است که دونالد ترامپ در تماس تلفنی پنجم نوامبر با علی الزیدی، نخست‌وزیر عراق، تهدید کرده در صورت ورود گروه‌های مقاومت و رهبران آنها به هرگونه جنگ احتمالی جدید در کنار ایران، آمریکا آنها را هدف قرار خواهد داد. ترامپ همچنین از بغداد خواسته است این گروه‌ها را تحت کنترل دولت درآورد. اهمیت ماجرا فقط در تهدید مستقیم رئیس‌جمهور آمریکا نیست. مسئله اصلی آن است که دولت عراق تا چه اندازه در برابر این فشارها ایستادگی می‌کند و آیا قرار است حاکمیت ملی عراق به پوششی برای اجرای خواسته‌های واشنگتن تبدیل شود؟ مقاومت عراق صرفاً یک مجموعه نظامی نیست که بتوان با یک دستور اداری یا فشار خارجی آن را از معادلات سیاسی و امنیتی حذف کرد. این نیروها در سال‌های گذشته بخشی از موازنه بازدارندگی منطقه‌ای بوده‌اند. موازنه‌ای که مانع از آن شده است رژیم صهیونیستی و جریان‌های افراطی وهابی با آزادی عمل بیشتری در منطقه پیشروی کنند.

همچنین عبدالله احمد الدلیمی، نماینده پارلمان عراق، گزارش داده است که تام باراک، فرستاده ویژه ترامپ، در سفر به بغداد خواستار بستن گذرگاه‌های مرزی میان ایران و عراق، قطع روابط تهران و بغداد، توقف مبادلات تجاری و تغییر مسیر اقتصادی عراق به سمت کشورهای حاشیه خلیج فارس شده است. بنا بر گفته این نماینده عراقی، واشنگتن حتی خواستار تغییر سازوکار تسویه بدهی‌های عراق به ایران و انجام مبادلات صرفاً با دینار عراق شده و دولت الزیدی نیز به‌صورت محرمانه با اجرای تدریجی این خواسته‌ها موافقت کرده است.

در چنین شرایطی، همراهی الزیدی با پروژه فشار بر مقاومت، چه در پوشش ادعای میانجی‌گری و چه با طرح تهدید و محدودسازی گروه‌هایی که حاضر نیستند در برابر تجاوز احتمالی به ایران بی‌تفاوت بمانند، معنایی فراتر از یک اختلاف داخلی در عراق پیدا می‌کند. اگر نخست‌وزیر عراق به‌جای دفاع از استقلال تصمیم‌گیری کشورش، به مجری خواسته‌های کاخ سفید تبدیل شود، نتیجه آن چیزی جز تضعیف جایگاه عراق در معادلات منطقه‌ای نخواهد بود.

مسئله امروز تلاش برای تغییر ماهیت روابط ایران و عراق و تبدیل بغداد به حلقه‌ای از زنجیره فشار آمریکا علیه تهران است.

شکست نظامی و جنایات جنگی ترامپ، وزیر جنگ دولت آمریکا را در آستانه برکناری قرارداد

# جنایت علیه کودکان میناب گریبان هگست را گرفت

**وزیر دفاع آمریکا که با وعده نمایش قدرت نظامی واشنگتن، فرماندهی جنگ علیه ایران را برعهده گرفت، حالا خود به یکی از متهمان اصلی این جنگ تبدیل شده است. از ناکامی در تحقق اهداف نظامی و نقض قوانین جنگی تا حمله به مدرسه میناب و جان‌باختن بیش از صد کودک، پرونده پیت هگست را به کنگره کشانده و طرح استیضاح او را کلید زده است. اتفاقی که شکاف در اردوگاه ترامپ را نیز آشکارتر می‌کند و شکست آمریکا را بیش از پیش آشکار میکند.**



احسان میرباقری
روزنامه‌نگار

پیت هگست، وزیر دفاع دولت دونالد ترامپ، که از ابتدای جنگ علیه ایران یکی از اصلی‌ترین چهره‌های مدافع عملیات نظامی آمریکا و از حامیان رویکرد حداکثری در استفاده از قدرت نظامی بود، اکنون در یکی از دشوارترین مقاطع دوران مسئولیت خود قرار گرفته است. جنگی که قرار بود نمایش قدرت نظامی واشنگتن و تثبیت جایگاه آمریکا در معادلات منطقه‌ای باشد، نه‌تنها هزینه‌های سنگین نظامی، سیاسی و اقتصادی برای دولت ترامپ به همراه داشته، بلکه به بحرانی در ساختار سیاسی آمریکا تبدیل شده است. بحرانی که حالا شخص وزیر دفاع را نیز هدف قرار داده است.

## کنگره در تعقیب وزیر جنگ

شکست جمهوری‌خواهان در انتخابات میان‌دوره‌ای و افزایش انتقادها از عملکرد دولت در جنگ با ایران، زمینه را برای تشدید فشار بر هگست فراهم کرده است. در همین چارچوب، توماس مسی، نماینده جمهوری‌خواه ایالت کنتاکی، طرح استیضاح هگست را با هشت بند اتهامی در مجلس نمایندگان آمریکا به جریان انداخت. اقدامی که برخلاف تصور اولیه، صرفاً ابتکار دموکرات‌ها نیست و از درون اردوگاه جمهوری‌خواهان نیز حامیانی دارد.

نکته قابل‌توجه این است که یکی از محورهای اصلی این طرح، نقش هگست در آغاز و ادامه جنگ علیه ایران است. مسی معتقد است دولت ترامپ بدون مجوز کنگره وارد جنگ شده و وزیر دفاع نیز با اجرای دستورهای نظامی دولت، قوانین مربوط به اختیارات جنگی را نقض کرده است. در سه بند از هشت بند طرح استیضاح، به نقض قانون اختیارات جنگی مصوب سال ۱۹۷۳ اشاره شده است. قانونی که براساس آن، رئیس‌جمهور آمریکا در شرایطی که کنگره مجوز جنگ صادر نکرده باشد، نمی‌تواند بدون رعایت محدودیت‌های قانونی به استفاده از نیروهای مسلح ادامه دهد. به بیان دیگر، مسئله فقط ناکامی در مدیریت یک عملیات نظامی نیست بلکه این پرسش اساسی مطرح شده است که دولت ترامپ با چه مجوزی کشور را وارد جنگی گسترده کرده و هگست بر چه مبنایی دستورهای مربوط به آن را اجرا کرده است. اما شاید سنگین‌ترین بخش پرونده هگست، به جنایت آمریکا در مدرسه دخترانه میناب بازگردد. جنایتی که حالا به یکی از محورهای رسمی طرح استیضاح وزیر دفاع تبدیل شده است. در نخستین روز تجاوز نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی به ایران، مدرسه ابتدایی شجره طیبه میناب هدف حمله قرار گرفت و بیش از ۱۵۰ نفر، از جمله حدود ۱۲۰ دانش‌آموز، جان خود را از دست دادند. بررسی‌های هیئت حقیقت‌یاب سازمان ملل که نتایج آن در سپتامبر ۲۰۲۶ منتشر شد، نشان داد شواهد معتبری وجود دارد که نیروهای آمریکایی مسئول این حمله بوده‌اند.

## پرونده سیاه هگست

در طرح استیضاح مسی نیز به همین موضوع اشاره شده است. نماینده جمهوری‌خواه آمریکا، هگست را متهم کرده که با تضعیف سازوکارهای نظارتی و قانونی وزارت دفاع برای جلوگیری از تلفات غیرنظامیان، زمینه چنین فجایعی را فراهم کرده است. اظهارات پیشین هگست درباره ضرورت کنار گذاشتن قواعد دست‌وپاگیر در عملیات نظامی و اولویت دادن به «حداکثر مرگباری» به جای محدودیت‌های قانونی نیز در این پرونده مورد استناد قرار گرفته است. ماجرا زمانی ابعاد سیاسی گسترده‌تری پیدا کرد که گزارش شد پنتاگون قصد دارد انتشار نتایج تحقیقات داخلی درباره حمله به مدرسه میناب را تا پس از انتخابات میان‌دوره‌ای به تعویق بیندازد. اقدامی که انتقاد شماری از قانون‌گذاران آمریکایی را به دنبال داشت.

البته پرونده هگست به جنگ ایران و مدرسه میناب محدود نمی‌شود. در میان هشت بند طرح استیضاح، اتهاماتی درباره حملات مرگبار نیروهای آمریکایی به قایق‌ها در دریای کارائیب، تضعیف نظارت حقوقی بر این عملیات‌ها، برخورد تنبیهی با مارک کلی، سناتور دموکرات، به دلیل انتقاد از دستورهای غیرقانونی نظامی، عملیات علیه ونزوئلا و ربایش نیکلاس مادورو و همچنین عملیات نظامی آمریکا در یمن مطرح شده است. بنابراین هگست اکنون با مجموعه‌ای از اتهامات درباره نقض قوانین داخلی و بین‌المللی، به خطر انداختن جان غیرنظامیان و گسترش دامنه مداخلات نظامی آمریکا مواجه است.

## افتخار به جنگ، انکار مسئولیت

در تازه‌ترین تحول، هگست در نخستین نشست خبری خود در پنتاگون از ماه مه تاکنون، تلاش‌ها برای استیضاحش را «نمایشی مضحک» توصیف کرد و مدعی شد این تلاش‌ها شکست خواهد خورد. او حتی با دفاع از عملکرد خود در جنگ با ایران اعلام کرد که به عملیات‌هایی که انجام داده افتخار می‌کند و در صورت بازگشت به گذشته، دوباره همان اقدامات را انجام خواهد داد. این موضع‌گیری در حالی است که توماس مسی برای روز سه‌شنبه خواستار رأی‌گیری درباره کنار گذاشتن طرح استیضاح شده و در صورت شکست این تلاش، مسیر برای بررسی و رأی‌گیری درباره اتهامات در مجلس نمایندگان باز خواهد شد. از سوی دیگر، حکیم جفریز، رهبر دموکرات‌های مجلس نمایندگان، نیز حمایت خود را از استیضاح هگست اعلام کرده است. نفس طرح استیضاح یک وزیر دفاع آمریکایی، آن هم با محوریت جنگی که دولت ترامپ آن را نمایش قدرت می‌نامید، ضربه سیاسی مهمی به کاخ سفید محسوب می‌شود. واقعیت این است که هگست امروز تنها با یک طرح استیضاح روبه‌رو نیست. او با پیامدهای مجموعه‌ای از تصمیمات دولت ترامپ مواجه شده که قرار بود اقتدار نظامی آمریکا را به رخ جهان بکشد، اما اکنون به موضوع مناقشه در داخل آمریکا تبدیل شده است. از جنگی که بدون مجوز کنگره آغاز شد تا حمله به مدرسه‌ای پر از دانش‌آموز و تلاش برای پنهان ماندن ابعاد مسئولیت آمریکا، همه به پرونده‌ای تبدیل شده‌اند که حتی متحدان سیاسی ترامپ نیز نمی‌توانند به‌سادگی از کنار آن عبور کنند. وزیری که با ادعای بازگرداندن قدرت و هیبت ارتش آمریکا به پنتاگون آمد، اکنون باید در برابر نمایندگان کنگره درباره جنگ، تلفات غیرنظامیان و مسئولیتش در یکی از تلخ‌ترین جنایت‌های جنگی علیه کودکان پاسخگو باشد.

## تاوان جنایت میناب

**سنگین‌ترین بخش پرونده هگست، به جنایت آمریکا در مدرسه دخترانه میناب بازگردد. جنایتی که حالا به یکی از محورهای رسمی طرح استیضاح وزیر دفاع تبدیل شده است. در نخستین روز تجاوز نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی به ایران، مدرسه ابتدایی شجره طیبه میناب هدف حمله قرار گرفت و بیش از ۱۵۰ نفر، از جمله حدود ۱۲۰ دانش‌آموز، جان خود را از دست دادند. بررسی‌های هیئت حقیقت‌یاب سازمان ملل که نتایج آن در سپتامبر ۲۰۲۶ منتشر شد، نشان داد شواهد معتبری وجود دارد که نیروهای آمریکایی مسئول این حمله بوده‌اند.**

گزارش‌ها از مذاکرات محرمانه با آمریکایی‌ها حکایت دارد

# معامله محرمانه‌ای در کار است؟

**درست در شرایطی که رهبر انقلاب با صراحت هرگونه امتیازدهی به آمریکا را مردود دانسته و نسبت به پیامدهای گرایش تسلیم‌آمیز هشدار داده‌اند، نشانه‌های متعددی از تحرکات پنهانی جریان غربگرای حاکم بر دولت برای بازگشت به میز مذاکره با واشنگتن آشکار شده است؛ تحرکاتی که با توجه به تجربه سه‌باره فریب خوردن ایران در مذاکرات گذشته، نگرانی‌های جدی درباره تکرار عقب‌نشینی‌های پرهزینه ایجاد کرده است.**



محسن فرهمند
روزنامه‌نگار

در روزهایی که رهبر انقلاب موضع صریح خود را درباره خطرات و خسارت‌های گرایش‌های تسلیم‌آمیز اعلام کردند و تأکیدات ایشان درباره پاسخ نیروهای مسلح به تجاوزات دشمن، هرگونه محدودیت در اعمال قدرت بازدارنده را کنار زد، نشانه‌های نگران‌کننده‌ای از تحرکات پنهانی جریان غربگرای برجامی وفاقی مسلط بر پزشکیان و دولتش به چشم می‌خورد که حکایت از آن دارد که این جریان بار دیگر با تمام توان درصدد مذاکره تسلیم‌آمیز با طرف آمریکایی است.

در این زمینه سی‌ان‌ان در ادعایی مدعی شد ایران و آمریکا به‌طور «محرمانه» درباره توافقی حساس مذاکره می‌کنند که می‌تواند مانع بازگشت جنگ شود و زمینه مذاکرات گسترده‌تر را فراهم کند. همزمان، برخی فعالان رسانه‌ای از تلاش‌های امیر قطر برای میانجیگری خبر داده و مدعی شدند پیشنهاد جدید دوحه شامل پذیرش غنی‌سازی ۳.۶۷ درصد ایران، رقیق‌سازی (نابودسازی) ۴۴۰ کیلوگرم اورانیوم ۶۰ درصد در داخل کشور، رفع محاصره دریایی، آزادسازی ۶ تا ۱۰ میلیارد دلار از دارایی‌های ایران و میانجیگری تهران میان عربستان و انصارالله‌یمن است. براساس همین ادعا، پس از ورود بازرسان آژانس به ایران، تنگه هرمز نیز بازگشایی خواهد شد. بنابراین، پذیرش چنین طرحی بازهم عقب‌نشینی ایران، به‌ویژه در پرونده هسته‌ای، را پس از این حجم جنایت آمریکا نشان می‌دهد در همین راستا، العربیه نیز مدعی شد واشنگتن با ادامه غنی‌سازی در خاک ایران تا سطح ۳.۶۷ درصد موافقت کرده و تهران نیز این پیشنهاد را پذیرفته است. بازگشایی فوری تنگه هرمز، لغو محاصره دریایی و مشارکت احتمالی روسیه یا چین به‌عنوان کشور ثالث برای تسهیل کاهش غنی‌سازی، از دیگر محورهای توافق احتمالی در گزارش الحدث عنوان شده است.

در ادامه این اخبار، رئیس سازمان اطلاعات ترکیه (میت) نیز مدعی شد قطر هفته آینده میزبان جی دی ونس، معاون ترامپ، و محسن رضایی خواهد بود. عراقچی در واکنش به گزارش‌ها درباره احتمال چنین دیداری گفت: «این گمانه‌زنی‌ها و خبرسازی‌های رسانه‌ای از اساس بی‌پایه است و هیچ برنامه‌ای برای برگزاری چنین دیداری وجود ندارد.» با این حال، این تکذیب، به تنهایی پاسخگوی پرسش‌های گسترده درباره ماهیت و چارچوب تحرکات دیپلماتیک اخیر نیست.

### گویی هیچ اتفاقی در یک سال و نیم گذشته نیفتاده

در این میان، اظهارات روز دوشنبه ۱۸ آبان اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت خارجه، نیز قابل تأمل است. وی اعلام کرد ایران همچنان به معاهده NPT و توافقنامه پادمان پایبند است و تعهدات هسته‌ای خود را تعلیق نکرده. بقایی همچنین بر استمرار ارتباطات حرفه‌ای نمایندگی ایران در وین و بازرسی اخیر از نیروگاه بوشهر تأکید داشت. عراقچی نیز روز یکشنبه در شبکه ایکس نوشت: «رأی‌دهندگان آمریکایی انتخاب خود را انجام داده‌اند و اکنون نوبت کاخ سفید است که انتخاب کند.» وی با اشاره به پیشنهاد دو روزه ایران برای بازگشایی تنگه هرمز تأکید کرد این پیشنهاد همچنان روی میز است این ادبیات یادآور همان ادبیاتی است که عراقچی در فروردین ۱۴۰۴ و در یادداشت خود در واشنگتن پست استفاده می‌کرد؛ رویکردی که پیش از جنگ ۱۲ روزه، جنگ ۳۹ روزه و شهادت رهبر انقلاب و هزاران شهروند ایرانی نیز نتوانست مانع تجاوز آمریکا شود. تأسف‌بار آنکه پس از سه بار تجربه فریب خوردن در مذاکرات پیش از جنگ ۱۲ روزه، پیش از جنگ ۳۹ روزه و در ماجرای تفاهم اسلام‌آباد، ظاهراً نگاه وزیر خارجه به طرف آمریکایی هیچ تغییر محسوسی نکرده است.

پزشکیان نیز در اظهاراتی مدعی شد: «مقام معظم رهبری دستور دادند که وضعیت نه جنگ نه صلح را پایان دهیم. ما می‌توانیم با عزت گفت‌وگو کنیم و با عزت موضوع را تمام کنیم.» وی همچنین با اشاره به مشکلات معیشتی مردم، بر ضرورت خدمت‌رسانی و جلوگیری از نادیده گرفتن آینده کشور تأکید کرد. اما مغالطه پنهان و عمدی پزشکیان در این سخنان، با نادیده گرفتن کارنامه دو ساله دولت وی و تجربه مذاکرات گذشته است. در همین دولت، با وجود اختیار کامل برای پیگیری دیپلماسی و طرح عقب‌نشینی‌های گسترده در موضوع هسته‌ای، از جمله غنی‌سازی صفر و تحویل اورانیوم ۶۰ درصد در مقطع پیش از جنگ ۳۹ روزه، تصمیم آمریکا برای تجاوز تغییر نکرد. در مقابل، کشور در سایه سوءمدیریت شدید پزشکیان با تورم شدید، مشکلات اقتصادی و فشارهای معیشتی کم‌سابقه‌ای مواجه شد که نظیر آن حتی در زمان اوج جنگ هزینه بر ایران و عراق نیز دیده نمی‌شد. بنابراین، نمی‌توان ناکارآمدی مدیریتی و پیامدهای سیاست‌های اقتصادی دولت را با طرح ضرورت مذاکره و پایان دادن به وضعیت موجود توجیه کرد.

### پشت پرده تحرکات منطقه‌ای

همزمان با این پالس‌های مذاکره، خبر سفر محرمانه هیئت عراقی به تهران نیز منتشر شده است. میدل‌ایست به نقل از منبعی در وزارت خارجه عراق مدعی شد نخست‌وزیر این کشور، علی الزیدی، به همراه رئیس سازمان الحشد الشعبی به تهران سفر کرده و با مقامات ایرانی رایزنی داشته‌اند. همچنین داده‌های فلایت‌رادار از سفر یک هواپیمای دولتی ایرانی به قطر و بازگشت آن به کشور حکایت دارد.

در سوی مقابل، ترامپ شامگاه دوشنبه با انتشار بیانیه‌ای مدعی شد قطر، عربستان، امارات، بحرین، کویت و دیگر کشورها خواهان حفظ وضعیت موجود، ادامه محاصره دریایی و عملیات «دروازه آهنین» هستند. او در عین حال گفت اقدام نظامی جدید چندان ضروری به نظر نمی‌رسد، هرچند آمریکا در آماده‌باش کامل قرار دارد. رئیس جمهور آمریکا همچنین ادعا کرد روند پایان جنگ سرعت گرفته و ایران پذیرفته است که هرگز به سلاح هسته‌ای دست پیدا نکند؛ ادعایی که تهران آن را نپذیرفته است. این مواضع، در کنار ادعای کنترل تنگه هرمز، نشان می‌دهد واشنگتن همچنان در پی حفظ اهرم فشار و تحمیل روایت خود از تحولات است.

### مردم نامحرم نیستند

اکنون ملت مبعوث‌شده ایران از یک سو پیام روشن رهبر انقلاب را پیش روی خود دارد که فرمودند: «اگر هنوز کسانی هستند که اندک امیدی به تغییر رفتار یا جابه‌جایی‌های حزبی و جناحی در نظام سلطه دارند و یا تصوّر می‌کنند با امتیاز دادن به امریکا می‌توانند او را از دشمنی با ملّت ایران منصرف کنند، سخت در اشتباه‌اند.» ایشان همچنین تصریح کردند: «کمترین گرایش تسلیم‌آمیز به دشمن سلطه‌گر، سرمایهٔ عظیمی را که به برکت خون شهدا و با فداکاری آحاد ملّت به دست آمده برباد خواهد داد و دشمن مستکبر را برای زیاده‌خواهی بیشتر و جنگ‌ها و جسارت‌های بعدی جری‌تر خواهد کرد.» از سوی دیگر، مردم شاهد عملکرد مسئولانی هستند که ظاهراً بار دیگر در مسیر مذاکرات پنهانی و تکرار تجربه‌های شکست‌خورده حرکت می‌کنند.

خطر اصلی این روند، علاوه بر احتمال تحمیل خسارت‌های جدید، ایجاد شکاف میان تصمیمات پشت پرده و اراده عمومی و القای حاکمیت دوگانه در کشور و شورش بر علیه جایگاه ولایت فقیه توسط برخی از مسئولان است. مردمی که با حضور و ایستادگی خود اصلی‌ترین پشتوانه‌های حفظ کشور و نظام بوده‌اند، نباید در تصمیماتی که مستقیماً با امنیت و آینده آنان ارتباط دارد نامحرم تلقی شوند. در همین زمینه، سید محمود نبویان، نماینده مجلس، صراحتاً خواستار تغییر تیم مذاکره‌کننده از سوی دبیر شورای عالی امنیت ملی شده است. مطالبه‌ای که با توجه به عملکرد عراقچی و تیم وزارت خارجه در سه مقطع فریب خوردن از آمریکا، امروز بیش از گذشته در افکار عمومی مطرح است.

**نسخه تازه امتیازدهی به آمریکا روی میز دولت!**

**از ادعای سی‌ان‌ان درباره مذاکرات محرمانه ایران و آمریکا تا پیشنهادهای منتسب به میانجیگری قطر برای پذیرش غنی‌سازی ۳.۶۷ درصد، رقیق‌سازی ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم ۶۰ درصد و بازگشایی تنگه هرمز، مجموعه‌ای از تحرکات دیپلماتیک در جریان است که با هشدار صریح رهبر انقلاب درباره خطر امتیازدهی به آمریکا در تعارض قرار دارد. در این میان، اظهارات عراقچی و پزشکیان نیز بار دیگر نگرانی‌ها درباره بازگشت همان رویکرد شکست‌خورده را تشدید کرده است.**

یادداشت

## مذاکره دوستان نفت را برای جنگ جدید ترامپ ارزان می‌کنند

پدرام حسینی
روزنامه‌نگار

کاهش قیمت نفت در میانه یکی از پرتنش‌ترین مقاطع امنیتی منطقه، آن هم در شرایطی که تنگه هرمز همچنان بسته است و انصارالله‌یمن فشار سنگینی بر عربستان، بزرگ‌ترین تولیدکننده نفت، وارد می‌کند، اتفاقی معنادار است. با انتشار گسترده اخبار مذاکرات پنهانی ایران و آمریکا با میانجیگری قطر، شاخص وست‌تگزاس اینترمدیت به ۸۵ دلار و نفت برنت به ۹۰ دلار کاهش یافته است. این هم‌زمانی پرسش مهمی را پیش می‌کشد: آیا بازار نفت صرفاً به اخبار دیپلماتیک واکنش نشان می‌دهد یا نوعی عملیات روانی و مدیریت انتظارات برای هموار کردن مسیر یک ماجراجویی نظامی تازه در جریان است؟

تجربه دو مقطع پیش از جنگ ۱۲ روزه و جنگ ۳۹ روزه نشان داده است که نباید به نشانه‌های مذاکراتی، به‌ویژه مذاکراتی که با ساده‌اندیشی مفرط برخی مسئولان ارشد و بی‌اعتنایی به هشدارهای رهبر انقلاب، آیت‌الله شهید مجتبی خامنه‌ای، دنبال می‌شوند، خوش‌بین بود. در هر دو مقطع، فضای دیپلماتیک و پیام‌های اطمینان‌بخش نتوانست مانع تجاوز نظامی شود. تکرار همان الگو، آن هم پس از دو تجربه پرهزینه، دیگر خطای محاسباتی ساده نیست؛ بلکه بی‌اعتنایی به درس‌های روشن میدان است. در سوی دیگر، تحرکات نظامی آمریکا هیچ تناسبی با ادعای کاهش تنش ندارد. شمار سوخت‌رسان‌های نیروی هوایی آمریکا در محدوده غرب آسیا و اروپا به دست‌کم ۲۰۸ فروند رسیده است. ۱۰۶ فروند در محدوده دیه‌گو گارسیا، الظفره، العدید، شاهزاده سلطان، اوودا و فرودگاه‌های بن گوریون و رامون ایلات مستقرند و حدود ۹۱ فروند دیگر در اروپا حضور دارند؛ ناوگانی که بخشی از مأموریت آن جایگزینی سوخت‌رسان‌های منطقه و پشتیبانی از جنگنده‌های اعزامی است. این ظرفیت، امکان ورود سریع ناوگان تهاجمی به عملیات را فراهم می‌کند. سوخت‌رسان‌های مستقر در الظفره، العدید و شاهزاده سلطان نیز مدت‌هاست در پشتیبانی از جنگنده‌های اسکورت‌کننده در تنگه هرمز نقش دارند.

هم‌زمان، ناو هواپیمابر روزولت پایگاه چانگی سنگاپور را ترک کرده و به سمت دریای عرب حرکت کرده است تا به ناوگروه‌های جورج واشنگتن و بوش ملحق شود. بدین ترتیب، آرایش سه ناو هواپیمابر در دریای عرب شکل خواهد گرفت. کنار هم قرار دادن این تحرکات، استقرار سنگین نیروها و مواضع ترامپ، اجازه نمی‌دهد این جابه‌جایی‌ها را عادی تلقی کنیم.

ترامپ پس از شکست قمار قبلی خود در جنگ ۳۹ روزه، اکنون با فرصتی حدوداً دوماهه تا آغاز دوره نمایندگی برآمده از انتخابات ۳ نوامبر ۲۰۲۶ روبه‌روست. به نظر می‌رسد او در پی قمار بزرگ‌تری برای جبران شکست گذشته است؛ قمار با هدف شکل دادن به شرایط اقتصادی و روانی مطلوب‌تر، کاهش قیمت نفت و آغاز احتمالی جنگ سوم در پایین‌ترین سطح ممکن قیمت انرژی. در این مسیر، میانجیگری قطر، تحرکات پاکستان و دیگر بازیگران منطقه‌ای می‌تواند به ابزار فشار دیپلماتیک و مدیریت انتظارات بازار تبدیل شود. جنگ احتمالی نیز، با توجه به آرایش نیروها، می‌تواند سریع و سنگین باشد. با این همه، تأسف‌بارترین بخش ماجرا رفتار پزشکیان و عراقچی است؛ کسانی که گویی قصد دارند با همان ساده‌اندیشی مشکوک، تجربه فریب خوردن در آستانه دو جنگ گذشته را تکرار کنند. وقتی طرف مقابل هم‌زمان با مذاکره، سوخت‌رسان و ناو هواپیمابر به منطقه می‌فرستد، اعتماد به پیام‌های میانجیگران چه توجیهی دارد؟ مردم از تکرار این چرخه فریب، غافلگیری و هزینه دادن خسته‌اند. مسئولیت نخست مسئولان، نه دل بستن به لبخندهای دیپلماتیک، بلکه دیدن واقعیت آرایش دشمن و جلوگیری از تکرار خطاهای پرهزینه گذشته است.

# نوبنیاد

■ صاحب امتیاز: محسن منصوری
■ مدیرمسئول: حمیدرضا بیانی
■ تلفن: ۸۸۴۹۹۳۷۲-۰۲۱
■ کدپستی: ۱۵۹۸۹۷۵۷۱۵
■ آدرس: خ سپهبد قرنی خ شاداب پلاک ۲۲ واحد پنج
■ چاپخانه: صمیم

nobonyadonline nobonyadonline

nobonyadonline.ir




پاریس درکنار تقابل سیاسی، به دنبال ریل‌گذاری فرهنگی و تربیت نسل تازه‌ای از فیلم‌سازان فارسی‌زبان است

# جریان نفوذ فرانسوی در سینمای ایران

**فرانسه سال‌هاست که سینمای ایران را از دریچه‌ای فراتر از یک جریان هنری دنبال می‌کند. حمایت مالی از پروژه‌های سینمایی، ارتباط با فیلم‌سازان، برگزاری دوره‌های آموزشی و فراهم کردن مسیر حضور در جشنواره‌های بین‌المللی، اجزای سیاستی هستند که پاریس برای گسترش نفوذ فرهنگی خود دنبال می‌کند. انتشار فراخوان تازه رزیدنسی سینمای داستانی برای نویسندگان و کارگردانان ایرانی از سوی مرکز ملی سینمای فرانسه، درکنار دیدار اخیر همایون اسعدیان، مدیرعامل خانه سینما، با پی‌یر کوشار، سفیر فرانسه، بار دیگر این پرسش را پیش کشیده است که هدف نهایی این همکاری‌ها چیست؟ آیا فرانسه در شرایطی که در عرصه سیاسی از مخالفان جدی جمهوری اسلامی به شمار می‌رود، در حوزه فرهنگ نیز به دنبال اثرگذاری بر آینده سینمای ایران است؟**





وحید ناظری
روزنامه‌نگار


سینما یکی از مهم‌ترین ابزارهای قدرت نرم در جهان معاصر است. کشورها با حمایت از تولیدات هنری، تربیت نیروهای خلاق، ایجاد شبکه‌های حرفه‌ای و در اختیار گرفتن مسیرهای توزیع و نمایش، می‌توانند در شکل‌گیری تصویر جهانی از جوامع دیگر نقش‌آفرینی کنند. فرانسه این ظرفیت را به خوبی شناخته است. مرکز ملی سینما و تصویر متحرک فرانسه از سال ۲۰۱۲ برنامه‌ای با عنوان «کمک به سینماهای جهان» را برای حمایت از تولید مشترک فیلم با کشورهای دیگر اجرا می‌کند. در اهداف رسمی این برنامه، علاوه بر تنوع فرهنگی، پرورش و تثبیت استعدادهای خارجی و گسترش همکاری با صنعت سینمای فرانسه تصریح شده است.

این سیاست در خلأ سیاسی اجرا نمی‌شود. فرانسه در سال‌های پس از انقلاب اسلامی، در موضوعات مختلف سیاسی و بین‌المللی در برابر جمهوری اسلامی قرار گرفته و در منازعات منطقه‌ای و پرونده‌های مرتبط با ایران نیز مواضعی تقابلی داشته است. بنابراین نمی‌توان گسترش فعالیت فرهنگی این کشور در ایران را فارغ از منافع و محاسبات سیاست خارجی پاریس ارزیابی کرد. مروری بر نمونه‌های سینمایی مرتبط، صحنه را روشن‌تر می‌کند. فیلم‌هایی که مستقیما در جبهه برانداز جمهوری اسلامی قرار گرفته‌اند. فیلم «یک تصادف ساده» ساخته جعفر پناهی، نمونه روشنی از پیوند حمایت مالی فرانسه با تولید و اعتبار بین‌المللی یک اثر ایرانی است. این فیلم با حمایت برنامه کمک به سینماهای جهان ساخته شد و پس از دریافت نخل طلای جشنواره کن ۲۰۲۵، به نمایندگی از فرانسه برای رقابت در بخش فیلم بین‌المللی اسکار معرفی شد. رئیس مرکز ملی سینمای فرانسه نیز در توضیح این انتخاب، از حمایت تعیین‌کننده کشورش از فیلم و نقش فرانسه در تبدیل شدن به کانون تولیدات مشترک بین‌المللی سخن گفت. این اتفاق نشان می‌دهد که حمایت مالی می‌تواند به حضور یک اثر در ساختار اعتباربخشی فرهنگی کشور حامی نیز منتهی شود.

پرونده «دانه انجیر مقدس» ساخته محمد رسول‌اف و تجربه تولید «حکایت شمرون» با سرمایه‌گذاری خارجی نیز از نمونه‌هایی هستند که باید در بررسی مناسبات مالی و محتوایی سینمای ایران مورد توجه قرار گیرند. درباره حکایت شمرون، گزارش‌هایی در سال ۱۴۰۱ از سهم بالای سرمایه فرانسوی و آلمانی در تأمین هزینه تولید منتشر شد. فارغ از اختلاف نظرها درباره جزئیات این پرونده، اصل ضرورت شفافیت در قراردادهای سرمایه‌گذاری خارجی و نسبت آن با استقلال تولید سینمایی انکارناپذیر است.

اکنون فراخوان رزیدنسی تازه، حلقه دیگری از این زنجیره است. آموزش فیلم‌نامه‌نویسان و کارگردانان جوان، به‌ویژه در آغاز مسیر حرفه‌ای، صرفاً انتقال چند مهارت فنی نیست. این دوره‌ها می‌توانند بر الگوهای روایت، انتخاب موضوع، مناسبات حرفه‌ای، شبکه ارتباطی و حتی تصور فیلم‌ساز از مخاطب جهانی اثر بگذارند. وقتی چنین برنامه‌ای با دیدار سفیر فرانسه و مدیرعامل خانه سینما درباره گسترش همکاری‌های فرهنگی هم‌زمان می‌شود، ضرورت بررسی ابعاد آن دوچندان است.

فرانسه برای آینده سینمای ایران برنامه دارد، اما آیا نهادهای فرهنگی ما نیز از برنامه‌ای روشن برای تربیت فیلم‌ساز، حمایت از روایت ملی و صیانت از استقلال فرهنگی برخوردارند؟ خانه سینما چه نقشی در معرفی و انتخاب استعدادها خواهد داشت؟ سازمان سینمایی و بنیاد فارابی از جزئیات این همکاری‌ها مطلع‌اند؟ آیا قراردادها و منابع مالی این برنامه‌ها شفاف خواهد بود؟

در شرایطی که تقابل جمهوری اسلامی و دولت‌های غربی به عرصه فرهنگ نیز کشیده شده است، بی‌توجهی به این پرسش‌ها می‌تواند میدان را برای ریل‌گذاری دیگران باز بگذارد. زنگ خطری که باید سیاستگذاران فرهنگی کشور را از خواب خرگوشی بیدار کند.

یادداشت

## اندر حکایت وطن‌دوستان اینستاگرامی


مسعود حنیفی
روزنامه‌نگار


امیرحسین قیاسی اخیرا با لحنی کنایه‌آمیز مدعی شده است که برادران دنیادیده در خبرگزاری دانشجو بهترین مجری‌های ایران هستند زیرا با اقدامات خود مانع فعالیت او می‌شوند و به اصطلاح چوب لای چرخش می‌گذارند. او در ادامه آرزو کرده که این افراد در کارشان موفق شوند و مورد توجه مردم قرار گیرند. فارغ از حواشی مطرح‌شده و ادعاهای این فعال فضای مجازی باید پرسید آیا او در جایگاه درست این ماجرا ایستاده است یا خیر. مرور مواضع و اظهارنظرهای قیاسی در تقابل‌های اخیر رسانه‌ای نشان می‌دهد که او چندان دغدغه اصلاحگری ندارد و صرفاً می‌خواهد از میانه میدان از مواهب تمام جریان‌های سیاسی بهره‌مند شود و از این رهگذر ارتزاق کند. برای درک بهتر این رویکرد دوگانه کافی است به رفتار او در زمان محدودیت دسترسی به اینترنت بین‌الملل توجه کنیم.

اقدامی که از سوی بسیاری از کارشناسان یک گام موجه و ضروری ارزیابی می‌شد اما قیاسی در کمال تعجب به اینستاگرام رفت و اعلام کرد تا زمانی که مردم در این بستر حضور ندارند از تولید محتوا دست خواهد کشید. او بعدها با طرح موضوع کاپیتولاسیون دیجیتال مدعی شد که عده‌ای خاص از خط سفید و رانت ویژه برخوردارند.

این ادعا در حالی مطرح می‌شود که خود او دقیقاً از همین وضعیت سود می‌برد و به یمن اقتصاد توجه بیشتر دیده می‌شود و درآمدزایی می‌کند. قیاسی خیالش راحت است که بخش عمده‌ای از جامعه هدفش او را قضاوت نمی‌کنند و تناقض‌های رفتاری‌اش را نادیده می‌گیرند. دلیل این آرامش خیال آن است که او سوار بر موج رسانه‌ای جریان‌های غرب‌گرا شده و خوراک فکری مورد پسند مخاطبان خود را تأمین می‌کند.

او می‌خواهد همزمان از تیغ تیز نقد علیه ساختارها نفع ببرد و از نان همان ساختارها بخورد. این فرصت‌طلبی رسانه‌ای نه تنها کمکی به شفافیت فضای مجازی نمی‌کند و تنها به دوقطبی‌سازی بیشتر جامعه دامن می‌زند.

فعالی که خود را در موضع حق مطلق می‌بیند و رقیب را عامل اختلال در کار خود می‌داند در واقع از پذیرش مسئولیت رفتارهای متناقضش فرار می‌کند. در نهایت باید گفت که سوار شدن بر موج‌های زودگذر و بهره‌گیری از ابزارهای دوگانه شاید در کوتاه‌مدت مخاطب جذب کند اما در درازمدت اعتبار و اعتماد عمومی را از بین می‌برد و نام او را تنها در فهرست فرصت‌طلبان رسانه‌ای ثبت خواهد کرد.

رفتارهای متناقض و سیاست‌های یک‌بام و دو هوای این فعال فضای مجازی نشان می‌دهد که او بیش از آنکه به دنبال دغدغه‌های ملی باشد به فکر منافع شخصی و حفظ جایگاه اجتماعی در میان کاربران بی‌نام‌ونشان مجازی و چت‌بات‌های غربی است.

یادداشت

## تنبیه نمایشی برای تطهیر سلبریتی‌های رانتی


سعید مصباح
روزنامه‌نگار


پس از اتفاقات موهن و توهین به سرود ملی ایران در مراسم تشییع حمید علیدوستی از سوی افرادی مثل عادل فردوسی‌پور، علی دایی و فرزین دبیری که موجب واکنش گسترده کاربران فضای مجازی شد، فعالیت فرزین دبیری در هیئت رئیسه فدراسیون فوتبال به حالت تعلیق درآمد.

اینکه فرزین دبیری هزینه رفتار توهین‌آمیز خود را متحمل شود، فی‌نفسه امر مطلوبی است؛ اما با کمی دقت نظر متوجه نمایشی بودن این موضوع می‌شویم. به نظر می‌رسد تنبیه فرزین دبیری با هدف ساکت کردن منتقدان صورت گرفته است، نه در جهت اعاده حرمت سرود ملی ایران.

در کنار فرزین دبیری، دو شخص دیگر نیز حضور داشتند که تا خرخره در رانت نظام جمهوری اسلامی قرار دارند و به سرود ملی توهین کردند؛ اما در قبال این دو نفر، یعنی علی دایی و عادل فردوسی‌پور، هیچ اقدامی صورت نگرفت. شاید دوستان استدلال کنند که فرزین دبیری از آن جهت مورد شماتت و تنبیه قرار گرفت که صاحب کرسی در یکی از ارکان رسمی کشور است و دایی و فردوسی‌پور چنین سمتی ندارند. پاسخ این دوستان ساده است: علی دایی و فردوسی‌پور اگرچه پست دولتی ندارند، اما تا دلتان بخواهد از رانت‌های دولتی بهره‌مند هستند.

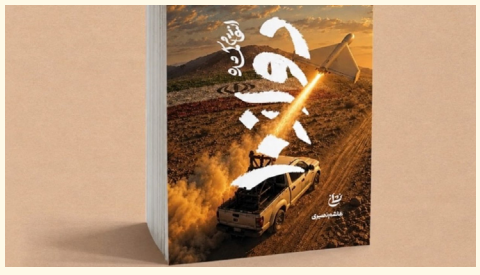
علی دایی فقط در یک فقره از رانت‌های خود توانست ۱۵ میلیارد تومان عینک به هلدینگ خلیج‌فارس بفروشد و عادل فردوسی‌پور نیز با مجوز در حال تولید برنامه ۳۶۰ و لجن‌پراکنی علیه ملت ایران است. مسئولان ذی‌ربط می‌توانستند این دو فرد حقه‌باز رانتی را نیز متوجه عواقب توهین به ملت ایران کنند.

به نظر می‌رسد فرزین دبیری از آن جهت مورد تنبیه قرار گرفت که شهرت دایی و فردوسی‌پور را نداشت؛ وگرنه او نیز ممکن بود از این ماجرا قسر در برود. بااین حال، همین اقدام علیه دبیری نیز نمایشی به نظر می‌رسد؛ چراکه دوشنبه‌شب، برنامه فوتبال برتر تریبون صداوسیما را در بهترین ساعت شب تقدیم فرزین دبیری کرد تا با صدور یک بیانیه و نمایشی ریاکارانه از خود دفاع کند و آب رفته را به جوی بازگرداند.

بنابراین، اصلاً دور از انتظار نیست که فرزین دبیری، که با رانت دولتی‌ها در فدراسیون کرسی گرفته است، به‌زودی مشمول رأفت اسلامی شود و با همین عذرخواهی مزورانه، کرسی تعلیق‌شده خود را پس بگیرد.

درنهایت، ماجرا بیش از آنکه درباره برخورد با یک تخلف باشد، درباره معیارهای دوگانه مسئولانی است که ظاهراً هنوز شهرت و نفوذ افراد را در تعیین تکلیفشان دخالت می‌دهند. اگر حرمت سرود ملی خط قرمز است، این خط قرمز نباید با نام و شهرت افراد جابه‌جا شود. برخورد گزینشی نه عدالت است و نه دفاع از میهن؛ بلکه نمایش مصلحت‌اندیشی در برابر چهره‌های پرنفوذ است.

## رمان «دوازده»؛ روایت داستانی جنگ ۱۲ روزه ایران و رژیم صهیونیستی




رمان «دوازده» نوشته هاشم نصیری با محوریت جنگ ۱۲ روزه ایران و رژیم صهیونیستی، از سوی نشر نشان منتشر شد. این کتاب، سومین و آخرین جلد از سه‌گانه‌ای است که پیش‌تر با انتشار دو رمان «سی و ۳» و «بیست و ۲» شکل گرفته بود. نصیری در این اثر، مخاطب را به یکی از پرتنش‌ترین مقاطع زندگی شخصیت‌های داستان می‌برد و تلاش می‌کند تصویری داستانی از جنگ، عملیات اطلاعاتی و پیچیدگی‌های نبردهای نوین ارائه دهد.

«دوازده» فراتر از روایت درگیری‌های نظامی، به موضوعاتی همچون تنهایی، فقدان، امید، خیانت، وفاداری و هزینه انتخاب‌ها می‌پردازد. در این روایت، میدان اصلی نبرد تنها عرصه نظامی نیست، بلکه ذهن، اطلاعات، فناوری و اراده انسان‌ها نیز به میدان تقابل تبدیل می‌شوند.

نویسنده در این رمان، شخصیت‌هایی را به تصویر کشیده که هرکدام با گذشته، باورها، تردیدها و انگیزه‌های خود درگیرند و تصمیم‌هایشان می‌تواند پیامدهایی فراتر از زندگی فردی داشته باشد. این کتاب می‌کوشد در قالب داستان، ابعاد انسانی و اطلاعاتی جنگ ۱۲ روزه را روایت کند و هم‌زمان پایان‌بندی سه‌گانه‌ای باشد که سال‌ها با شخصیت‌هایش پیش رفته است.